



A comparative study of the elements of the crime of Failure to report a crime and its punishment in Iranian and American law

Davood Seifi QaraYataq¹, Qasem Eslaminia²

¹ Assistant Professor of Law Department, University of Zabol, Zabol, Iran (**Corresponding Author**),
Email: dseify@uoz.ac.ir

² Assistant Professor of Law Department, University of Zabol, Zabol, Iran, Email: eslminia@uoz.ac.ir

Abstract

The implementation of justice, as the ultimate goal of judicial systems, requires cooperation and mutual assistance between individuals and public institutions. Each society, based on its prevailing values and cultural context, seeks to prevent obstacles to the realization of justice and may punish those who obstruct it. One significant obstacle is the failure to report crimes by individuals who are legally obligated to do so. In Iran's legal system, the concealment of crime constitutes an omission-based offense, committed by public officials who are aware of the crime and capable of reporting it. Furthermore, the duty to report is limited to crimes explicitly specified by law. However, there are fundamental differences between the Iranian legal system and those of Western countries regarding the obligation or discretion to report crimes, the reporting procedures, the scope of applicable offenses, and the corresponding punishments. In the United States, at both the federal and state levels, there are wide variations concerning the *actus reus* and *mens rea* elements of the offense of failing to report a crime. Compared to Iran, punishments in the U.S. legal system are generally more severe and vary depending on the nature of the crime and the state. In some states, under the doctrine of "post-crime assistance," an individual who fails to report a crime may be punished as severely as the principal offender. Unlike Iran, individuals in confidential relationships—such as attorney-client, clergy-penitent, and family members—are not exempt from punishment. Overall, the U.S. criminal policy toward citizens' indifference to crime is more punitive, security-focused, and coherent.

Keywords: Crime Reporting (Declaring A Crime), U.S. Law, Concealment of Crimes, Failure to Report, Crimes Against Justice, Misprision of Felony.

Received: 2024/01/07 ; **Revised:** 2024/04/20 ; **Accepted:** 2024/05/16 ; **Published online:** 2024/12/21

How To Cite: Seifi QaraYataq, Davood; Eslaminia, Qasem (2023). A comparative study of the elements of the crime of Failure to report a crime and its punishment in Iranian and American law, *Comparative Study on Islamic and Western Law*, 11(4), 63-92. <https://doi.org/10.22091/CSIW.2024.10243.2490>

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research





مطالعه تطبیقی عناصر جرم خودداری از اعلام جرائم و کیفر آن در حقوق ایران و آمریکا

داود سیفی قره یتاق^۱، قاسم اسلامی نیا^۲

^۱ استادیار گروه حقوق، دانشگاه زابل، زابل، ایران (نویسنده مسئول)، رایانامه: dseify@uoz.ac.ir
^۲ استادیار گروه حقوق، دانشگاه زابل، زابل، ایران، رایانامه: eslaminia.gh@uoz.ac.ir

چکیده

اجرای عدالت به مثابه هدف غایی نظام‌های قضایی، نیازمند همیاری و تعاون متقابل مردم و نهادهای عمومی است. هر جامعه‌ای به اقتضای ارزش‌ها و فرهنگ حاکم بر آن جامعه، از بروز موانع اجرای عدالت جلوگیری کرده و گاهی نیز متخلفان از اجرای آن را مجازات می‌کند. یکی از اعمال مخل تحقق این مهم، خودداری از اعلام جرائم از سوی افرادی است که وظیفه اعلام آن را دارد. در نظام ایران، از لحاظ عناصر متشکله جرم کتمان جرم از نوع ترک فعل بوده که مرتکب باید از مأموران دولتی بوده و به وقوع جرم آگاه بوده و توان اعلام آن را داشته‌اند. همچنین، لزوم گزارش دهی منحصر به جرائم مصرح در قانون است. با این حال، میان نظام ما با نظام حقوقی کشورهای غربی از حیث اختیار یا اجبار به گزارش دهی، نحوه اعلام جرم و قلمرو نوع جرائم و مجازات، جرم افتراق اساسی وجود دارد. در ایالات متحده، در سطح فدرال و ایالت‌های مختلف تفاوت وسیعی در مورد رکن مادی و رکن معنوی حاکم بر عدم اعلام جرم وجود دارد. در مقایسه با کشور ما، مجازات‌ها در نظام آمریکا بسته به نوع جرم و ایالت‌ها متغیر و شدت بیشتری دارد؛ حتی برخی از ایالت‌ها، در قالب نهاد «مساعادت بعد از عمل»، تارک فعل را همانند مرتکب اصلی کیفر می‌دهند. برخلاف ایران، طرفین رابطه محرمانه مانند وکیل-موکل، روحانی و توبه‌کننده و مصونیت خانوادگی از مجازات مستثنا شده‌اند. به‌طور کلی سیاست کیفری آمریکا در واکنش به بی‌تفاوتی شهروندان به جرم سرکوبگرانه و امنیت مدار و منسجم‌تر است.

کلیدواژه‌ها: اعلام جرم، حقوق آمریکا، کتمان جرائم، خودداری از اعلام جرم، جرائم علیه عدالت.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۷؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۷؛ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱
استاد به این مقاله: سیفی قره یتاق، داود؛ اسلامی نیا، قاسم (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی عناصر جرم خودداری از اعلام جرائم و کیفر آن در حقوق ایران و آمریکا، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱۱(۴)، ۶۳-۹۲.

<https://doi.org/10.22091/CSIW.2024.10243.2490>



۱. مقدمه

عدالت و عدالت‌گستری اساس نظام اسلامی است، بدان حد که خداوند آن را اهداف انبیاء الهی در آیه ۲۵ سوره حدید «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» ذکر می‌کند. از مصادیق بارز موانع کنترل جرم و تحقق عدالت، بی‌تفاوتی شهروندان به جرائم و استتکاف از اعلام جرم است. در ایران، تأکید بر مسئله الزام به اعلام جرائم در میان مجموعه قوانین، به‌صورت پراکنده به مقامات رسمی و افراد خاص مورد نظر قانون‌گذار ایرانی محدود بوده است و از ابتدا سابقه قانون‌گذاری درباره تکلیف اشخاص عادی در مورد الزام به اعلام جرم در مواد قانونی ایران دیده نمی‌شود؛ اما در نظام خارجی مانند ایالات متحده، از سال ۱۷۹۹ ماده ۴ کد جزای، کتمان تمامی جنایت فدرال از سوی هر شخص حبس تا ۳ سال دارد. سابقه جرم‌انگاری کتمان جنایات در کامن‌لا به نهاد (Misprision of felony) قرن شانزدهم می‌رسد که هرکس را ملزم می‌نمود دانش خود از جنایت را به اطلاع نیروهای پادشاه برساند. امروزه بیشتر ایالت‌ها نهاد کتمان جنایت را حذف کرده‌اند و خودداری از اعلام جرم را به جرائم خاصی منحصر کرده‌اند (Glasbrook, 1964: 189-208).

در ادبیات حقوقی ما علی‌رغم اهمیت مسئله تحقیق مستقلی در خصوص نقض گزارش اجباری با مقارنه آن با حقوق آمریکا صورت پذیرفته است. از این‌رو، ضرورت دارد به‌منظور ترسیم سیاست کیفری مطلوب در مقابله با بی‌تفاوتی شهروندان به جرم به مطالعه تطبیقی ابعاد مختلف جرم و خودداری از اعلام جرم پرداخته می‌شود. برای بیان مطالب، مقاله در سه مبحث سامان می‌یابد. ابتدا عناصر مادی جرم مزبور به شکل تلفیقی در ایران و آمریکا تحلیل می‌شود، سپس عنصر معنوی و استثنائات از نظر می‌گذرد و در آخر مجازات و نتیجه‌گیری مطرح می‌گردد.

۲. عنصر مادی خودداری از اعلام جرم در حقوق ایران

در قانون مجازات اسلامی ماده‌ای که کتمان جرائم از طرف مقامات یا افراد عادی را جرم بداند، وجود ندارد. باین‌حال، در قوانین خاص می‌توان مواردی را یافت که مقنن گزارش ندادن جرم را جرم می‌داند. با تتبع در این قوانین به شرایط تحقق این جرم می‌پردازیم.

۲-۱. جزء مقامات و اشخاص پیش‌بینی شده بودن مرتکب

در قوانین موضوعه ایران، تکلیف به اعلام جرم فقط در مورد اشخاص و مقامات پیش‌بینی شده است و قانون نسبت به تکلیف افراد و اشخاص عادی، ساکت است. اعلاماتی که در آن تکلیفی متوجه اشخاص عادی شده، نیز دلالت بر ضمانت اجرا، مانند آنچه در قانون مجازات اسلامی (مواد ۳۶-۳۷-۳۸-۵۵) و پاداش (معافیت یا تخفیف مجازات) دارند و قانون، افرادی را که خود در عناصر متشکله آن جرائم (مخصوصاً جرائم امنیتی) دخیل‌اند، به اظهار اطلاعات مقید کرده است و تکلیفی بر دوش دیگر

شهروندان از باب الزام‌آور دانستن اطلاعات ایشان، قرار نداده است. اصولاً قانون‌گذار ایران به این مسئله توجه خاص نشان نداده است. هرچند که به‌طور محدود در برخی از قوانین خاص می‌توان مصادیقی را پیدا کرد که شبیه به جرم عدم اعلام جنایت در نظام حقوقی دیگر است. باین حال، موارد استثنایی وجود دارد که اعلام جرم تکلیفی همگانی است؛ برای مثال عدم گزارش جرائم موضوع قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم توسط هر فرد مطلع مستوجب مجازات تعزیری درجه ۷ است (ماده ۳ قانون؛ خالقی، ۱۴۰۲: ۵۶).

۲-۲. حصری بودن جرائم ملزم به اعلام

عدم اعلام همه جرائم، جرم شناخته‌نشده، بلکه قانون‌گذار گزارش نکردن برخی از جرائم مهم را که به‌صورت حصری در مواد قانونی پیش‌بینی کرده، جرم می‌شناسد. به عبارت دیگر از حیث موضوع، جرم خودداری از جرائم جنبه عمومی ندارد. در زیر به جرائمی که عدم گزارش آن صراحتاً جرم‌انگاری شده است اشاره می‌گردد:

الف. خودداری از اعلام مدیران و مسئولین ناظر در ماده ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی: ماده ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی برای کشف بهتر جرائمی چون ارتشا، اختلاس، تصرف غیرقانونی، کلاهبرداری، تدلیس در معاملات دولتی و عمومی (موضوع ماده ۵۹۹) و پورسانت غیرقانونی در معاملات دولتی (موضوع ماده ۶۰۳)، مدیران و ناظران مربوطه را موظف به اعلام جرائم مذکور نموده است که متخلف علاوه بر حبس از شش ماه تا دو سال به انفسال موقت از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. جرم مذکور از نوع ترک فعلی است که به صرف عدم اعلام، جرم تحقق می‌یابد، از طرفی در اعلام نیازی به معرفی متهم یا متهمین نیست. اطلاع از وقوع جرم لازمه تحقق رکن مادی جرم است، لذا عدم اعلام ناشی از جهل، جرم نخواهد بود. همچنین تحت نظارت یا اداره بودن مؤسسات و ادارات موردنظر، شرط است؛ بنابراین اگر مؤسسات و ادارات مزبور تحت نظارت یا اداره مسئولی نباشد، در صورت عدم اعلام، مجرم نخواهد بود.

ب. جرائم اقتصادی: تبصره ۲ ماده ۱ قانون مجازات اخلا لگران ۱۳۶۹ مقرر می‌دارد: در این موارد (جرائم موضوع این قانون) مدیر یا مدیران و بازرسان و به‌طور کلی مسئول یا مسئولان ذیربط که به‌گونه‌ای از انجام تمام یا قسمتی از اقدامات مزبور مطلع شوند، مکلف‌اند در زمینه آگاه ساختن افراد از آن یا آگاه ساختن افراد یا مقاماتی که قادر به جلوگیری از این اقدامات هستند، اقدام فوری و مؤثری انجام دهند و کسانی که از انجام تکالیف مقرر در این تبصره خودداری کرده یا با سکوت خود به تحقق جرم کمک کنند، معاون جرم محسوب و حسب مورد به مجازات مقرر برای معاون جرم محکوم می‌شوند (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۳: ۳۸۷).

ج. خودداری از اعلام کودک‌آزاری: مصداق دیگر، خودداری از اعلام کودک‌آزاری توسط کلیه کارمندان مؤسسات و مراکزی است که به نحوی مسئولیت نگاهداری و سرپرستی کودکان را دارند. ماده ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در این رابطه می‌گوید: «کلیه افراد و مؤسسات و مراکزی که به نحوی مسئولیت نگاهداری و سرپرستی کودکان را بر عهده دارند، مکلف‌اند به محض مشاهده موارد کودک‌آزاری مراتب را جهت پیگرد قانونی مرتکب و اتخاذ تصمیم مقتضی به مقامات صالح قضایی اعلام نمایند، تخلف از این تکلیف موجب حبس تا شش ماه یا جزای نقدی تا پنج میلیون (۵۰۰۰۰۰۰) ریال خواهد بود.» کودک‌آزاری از جنس جرائمی است که کشف آن بدون همکاری سرپرست یا اطرافیان کودک ممکن نیست. از این رو، ماده مذکور در صدد برخورد با کسانی است که با وجود اطلاع و مشاهده کودک‌آزاری، اقدام به گزارش آن به مقامات نمی‌کنند. رکن مادی این جرم نیز عدم اعلام پس از مشاهده است. برای تحقق این جرم، به هر نحو داشتن مسئولیت سرپرستی و نگاه‌داری از کودک، اعم از مسئولیت مستقیم مانند اولیاء قانونی و مسئولیت غیرمستقیم مانند مدیران و مسئولین مراکز حامی یا سرپرست کودکان، لازم است که پس از مشاهده کودک‌آزاری یا علانم ناشی از آن موظف به گزارش به مقامات قضایی و قانونی است (سیفی، ۱۴۰۱: ۱۲). این تمهید از آن جهت است که کودکان به علت ناتوانی جسمانی و عقلی قادر به اعلام شکایت و احقاق حقوق خویش نیستند؛ اما از آنجاکه اکثریت قریب به اتفاق موارد کودک‌آزاری توسط افراد مؤسساتی ارتکاب می‌یابد که مسئول نگهداری کودکان هستند، محدود نمودن این تکلیف به افرادی خاص چاره‌ساز نیست و بهتر بود مقنن، کلیه افرادی را که با کودک زندگی می‌کنند یا در حیطه وسیع‌تر، کلیه افراد جامعه را در این مشارکت، سهیم می‌نمود (اسدی، ۱۳۸۴: ۵۴؛ کاویار، ۱۳۸۸: ۱۲۴).

د. ماده ۷۲ آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ (ماده ۲۹ سابق): مطابق ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی «مقامات و اشخاص رسمی، به هنگام برخورد با امر جزایی در حوزه کاری خود موظف‌اند مراتب را به رئیس حوزه قضایی یا معاون وی اطلاع دهند.» با اصلاح قانون در بند جلد ماده ۳ قانون اصلاحی تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب «مقامات و اشخاص رسمی در مواردی که باید امر جزایی را تعقیب کنند، موظف‌اند مراتب را فوراً به دادستان محل اطلاع دهند.» باین حال، برای اهمال یا امتناع اشخاص رسمی از گزارش جرم در مواقع اطلاع، ضمانت اجرای کیفری پیش‌بینی شده است. البته برخی امور نیز هستند که جرم نیستند، ولی قانون‌گذار افراد خاصی را به گزارش آن به مقامات مکلف کرده است؛ مانند اعمال موضوع مواد ۱۳ و ۱۴ و ۱۹ قانون جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی (قماشی، ۱۳۸۵: ۵-۱۸۵).

این تکلیف در ماده ۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ برای «مقامات و اشخاص رسمی از وقوع یکی از جرائم غیرقابل‌گذشت مطلع می‌شوند.» مقرر شده است؛ لکن باز ضمانت اجرای کیفری به‌طور کلی بر آن‌ها وضع نشده است (خالقی، نکته‌ها، ۱۴۰۲: ۷۲). وفق نظریه مشورتی ۹۹۰/۹۴/۷ مورخ

۲۱/۴/۱۳۹۴: هرچند ماده ۷۲ قانون جدید مقامات و اشخاص رسمی را مکلف نموده که در صورت اطلاع از وقوع یکی از جرائم غیرقابل گذشت در حوزه کاری خود مراتب را به دادستان اطلاع دهند؛ لکن با عنایت به اصل قانونی بودن جرم و مجازات، صرفاً عدم اعلام مقامات مذکور در ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ در خصوص جرائم احصاء شده در ماده ۶۰۶ همین قانون که در حوزه تحت اداره و نظارت آنان واقع شده، جرم است (ساوالانی، ۱۳۹۹: ۲۰۱).

شیوه نگارش ماده ۷۲ محل ایراد است؛ زیرا اولاً مکلف کردن تمام اشخاص رسمی به اعلام مستقیم جرم به دادستان با رعایت اصل سلسله مراتب اداری مغایرت دارد. ازاین رو، می توان گفت حکم تبصره ماده ۱۳ قانون ارتقا سلامت اداری و مبارزه با فساد، مناسب تر به نظر می رسد، زیرا طبق آن هر یک از کارکنان را مکلف می سازد که در حیطه وظایف خود وقتی از جرم مطلع می شوند، مراتب را کتباً به مقام بالاتر خود یا واحد نظارتی گزارش دهند؛ پس از آن، مقام مسئول مکلف به اعلام آن به مقامات قضایی خواهند بود. ثانیاً همان گونه که ذکر شد تکلیف ضمانت اجرای تخلف از ماده ۷۲ مشخص نیست. به طور کلی عدم اعلام جرائم عمومی، در پاره ای موارد به اعتبار شخص متخلف از این امر یا به اعتبار نوع جرم گزارش نشده فاقد مجازات است.

ه. **جرائم صید، شکار، قمار، مشروبات و جرائم مواد مخدر:** از برخی موارد دیگر که عدم گزارش جرم در قوانین خاص مجازات دارد، می توان به گزارش نکردن وجود اماکن قمار یا صرف مشروبات الکلی به وسیله مأموران ذی صلاح (ماده ۷۱۱ ق.م.ا)، گزارش نکردن جرائم موضوع قانون شکار و صید به وسیله شکاربان (ماده ۲۰ قانون شکار و صید ۱۳۴۶)، گزارش نکردن کشت خشخاش یا کوکابین یا شاه دانه به مراجع ذی صلاح (ماده ۲۵ قانون مبارزه با مواد مخدر، اصلاحی ۱۳۸۹)، اشاره کرد.

و. **اخفاء یا دفن بدون مجوز جسد مقتول و سایر جرائم:** قانون گذار در ماده ۶۳۶، دفن بدون مجوز جسد را جرم دانسته است. در این جرم مرتکب با مخفی کردن یا دفع جسد، در عمل از اعلام قتل به مقامات استتکاف می کنند. درواقع به نوعی عدم اعلام جرم به مقامات قضایی محسوب می شود، منتها تفاوت آن با سایر مصادیق این است که مجرم در اینجا لزوماً یک فعل مثبت (اختفا یا دفن) انجام می دهد. به بیان دیگر ترک فعل همراه با فعل است؛ اما اگر فرد علی رغم علم به قتل بدون آنکه جسد را مخفی یا دفن کند سکوت پیشه نماید، نمی توان او را مسئول شناخت (طارمی، ۱۳۸۸: ۸). همچنین خودداری دیوان محاسبات از اعلام جرائم کشف شده را می توان از دیگر مصادیق شمار آورد. مصداق دیگر در ماده ۷۲۲ ق. تعزیرات تصریح شده است که به موجب آن «چنانچه وسیله موتوری یا پلاک آن سرقت یا مفقود شود، شخصی که وسیله در اختیار و تصرف او بوده است، اعم از آنکه مالک بوده یا نبوده پس از اطلاع مکلف است بلافاصله مراتب را به نزدیک ترین مرکز نیروی انتظامی اعلام نماید، متخلف از این ماده به جزای نقدی از پانصد هزار تا یک میلیون ریال محکوم خواهد شد.» ترک اعلام جرم از سوی

دارنده وسیله نقلیه نیز نوعی نگرش الزامی و معطوف به مجازات گشته که از این حیث با دیگر مصادیق متفاوت است.

۳-۲. ترک فعل بودن رفتار فیزیکی

عنصر مادی جرم گزارش نکردن جرائم به صورت ترک فعل تحقق می یابد (ساریخانی، ۱۴۰۱: ۱۹۳-۱۹۲). این امر از منطبق ماده ۶۰۶ ق.م.ا و ماده ۶ قانون کودک آزاری به راحتی قابل استنباط است که اشعار می دارد «هریک از رؤسا، مدیران یا مسئولین سازمان ها و مؤسسات مذکور در ماده ۵۸۹ که از وقوع جرم ارتشا ... مطلع شده و مراتب را حسب مورد به مراجع صلاحیت دار قضایی یا اداری اعلام ننماید،» ماده ۶ قانون جلوگیری از کودک آزاری نیز مقرر می دارد: کلیه افراد و مؤسسات ... مکلف اند به محض مشاهده موارد کودک آزاری مراتب را به مقامات صالح قضایی اعلام نمایند، تخلف از این تکلیف موجب حبس خواهد بود»

در این مواد اعلام نکردن و تخلف از تکلیف اعلام، ترک فعلی است که بر تحقق جرم از سوی هر دو رفتار تأکید دارد. اصولاً خودداری از اعلام بزه مستلزم خودداری از انجام یک وظیفه عمومی، چون گزارش جرم است که عمل سلبی به حساب می آید و ممکن است مرتکب در رسیدن به این هدف به مجموعه ای از اعمال مادی و مثبت نیز دست بزند. به طور کلی، از توجه به مصادیق فوق مستفاد می شود که جرم مذکور از نوع جرائم ترک فعلی است. رکن مادی این جرم عدم اعلام پس از اطلاع بوده، صرف عدم اعلام جرم را محقق می کند. از جانب دیگر صرف گزارش دادن برای رهایی از مسئولیت کفایت نموده و نیازی به معرفی متهم یا متهمین نیست. حتی به عقیده ما ضرورتی ندارد مسئول مکلف، نوع را مشخص سازد؛ زیرا توصیف جرائم و تعیین عنوان قانونی آن امری تخصصی است که از عهده افراد عادی و کارکنان دولتی خارج است. به علاوه در این جرم تحت نظارت یا اداره بودن مؤسسات و ادارات مورد نظر که جرم در آن اتفاق افتاده، شرط است.

۴-۲. مطلق بودن جرم

از ویژگی این جرم مستمر بودن آن است، زیرا قانون گذار نگفته است که «به محض اطلاع از وقوع جرم اعلام نکند» تا جرم آنی شود؛ بنابراین این جرم مستمر بوده، استمرار عدم اعلام کافی است. به علاوه جرم عدم اعلام، جرمی مطلق است و احتیاجی به وقوع نتیجه ندارد.

۳. رکن مادی جرم عدم گزارش جرم در ایالت متحده

با توجه به ساختار حقوقی آمریکا که در آن هر ایالت نظام حقوقی مختص به خود را دارد و در عین قوانین فدرال و آرای دیوان عالی فدرال در ایالت ها قدرت اجرایی دارند، لازم است موضوع در دو سطح ایالتی و فدرال جداگانه مورد کنکاش قرار گیرد.

۳-۱. قوانین ایالتی

قانون اکثر ایالت‌ها، شهروندان را ملزم نمی‌کند که تمام اعمال مجرمانه‌ای را که شاهد یا مشکوک به وقوع آن هستند، گزارش دهند. برای مثال ممکن است هر کس هر روز تصادف یک اتومبیل با یک عابر پیاده را در خیابان‌های شهر مشاهده کند، اما برای آنان ممکن است عملی یا ضروری نباشد که هر آنچه دیده‌اند را گزارش دهند. بر این اساس به عنوان قاعده در اکثر ایالت‌ها، عدم گزارش صرف یک جرم، جرم نیست؛ چون از زمانی که کشف و تعقیب جرائم به یک مسئولیت دولتی تبدیل شد، مجازات افراد به دلیل عدم گزارش جرم و خودداری آنان از مشارکت در اجرای قانون، دشوار است. از طرفی ارائه گزارش خلاف واقع به پلیس یا مقامات امری ناشایست است (Tampson, 2003: 5-6). باین حال در برخی از ایالت‌ها، استثناهایی از آن قاعده کلی پیش‌بینی شده است و اکثر قوانین در این زمینه بر آگاهی یا ظن قوی بر وقوع جرائم جدی مانند ارتکاب جنایت تمرکز دارند. از سوی دیگر گاهی اوقات، شاهد جرم ممکن است از انتقام گرفتن برای گزارش بترسد، به همین جهت قانون اغلب در چنین شرایطی استثنا قائل می‌شود. ایالت‌ها از حیث افراد ملزم به گزارش جرم، نوع جرائم و مجازات تفاوت‌های با یکدیگر دارد. باین وجود، تحقق جرم خودداری از اعلام جرم در ایالت‌ها عمدتاً منوط به وجود شرایط ذیل است.

۳-۱-۱. عام بودن مرتکب جرم

مرتکب جرم هم در سطح ایالتی و فدرال، علاوه بر مقامات و افرادی نظیر پلیس، دادرس، معلم، درمانگر، پزشک، روحانی که برحسب وظیفه از جرم مطلع می‌شوند، افراد عادی را نیز در برمی‌گیرد.^۱ در این نظام حقوقی بی‌تفاوتی به وقوع برخی جرائم پذیرفته نیست و به همین خاطر مقنن همه افراد جامعه را که شاهد وقوع جرم بوده‌اند یا بعد از ارتکاب، از آن مطلع شده‌اند، مکلف می‌سازد به مقالات ذی‌صلاح گزارش دهند (Carl, 2019: 143). در برخی از جرائم مانند قتل، گزارش ندادن توسط تمامی افراد جامعه قابل پیگرد است، اما در برخی جرائم الزام به گزارش برای عموم مردم تحمیل نمی‌شود، بلکه افراد به‌خصوصی می‌توانند مرتکب جرم باشند.

۳-۱-۲. ترک فعل بودن رفتار

عدم اعلام جرم ذاتاً یک ترک فعل است که در آن فرد آگاه از وقوع جرم از افشای علم خود به مقامات خودداری می‌ورزند. در سطح ایالتی گزارش نکردن ساده موجب تحقق جرم می‌شود (Nill shouse, 2022: 2)، اما در بخش فدرال عدم اعلام و پنهان کردن یک جنایات جرم‌انگاری شده

1. 18 U.S. Code § 4: "Whoever, having knowledge of the actual commission of a felony cognizable by a court of the United States, conceals and does not as soon as possible make known the same to some judge or other person in civil or military authority under the United States, shall be fined under this title or imprisoned not more than three years, or both."

است که از نوع عمل مثبت است (Shannonhouse, 1997: 65). از حیث سابقه تاریخی در نظام کامن‌لا، کتمان جنایت فقط با ترک فعل محقق می‌شود و نیازی به اقدام مثبت نبود و بر این اساس در برخی از ایالت‌ها که در قوانین عادی و اساسی خود تابع کامن‌لا شده‌اند و نهاد «کتمان جرم» را از حقوق عرفی وارد قوانین خود ساخته‌اند، صرف اطلاع از یک جنایت و عدم اعلام به مقامات را جرم‌انگاری می‌کنند، بدون آنکه فعل مثبتی از فرد مطلع سر بزنند. اگرچه در عمل دادستان‌ها به‌ندرت کسی را تحت این عنوان مورد پیگرد قرار می‌دهند (Prendergast, 2020: 461). به‌طور کلی در سطوح ایالتی همین‌که فردی یکی از جرائم موضوع گزارش اجباری را به مقامات کتباً و شفاهاً اطلاع ندهند، مسئولیت کیفری خواهند داشت.

۳-۱-۳. اختصاص عدم گزارش به جرائم محدود و خاص

در حقوق آمریکا، عدم اعلام جرائم، جنبه عمومی ندارد و مصادیق محدودی از جرائم را پوشش می‌دهد. این محدودیت ریشه تاریخی دارد، زیرا از نهاد کتمان عمدی آگاهی از جرم در کامن‌لا اتخاذ شده که در آن الزام به گزارش جرم، اختصاص به «جنایت» داشت و همه جرائم را در برنمی‌گرفت. مطابق کامن‌لا انگلیس (Misprision of felony) به مفهوم گزارش نکردن آگاهی از یک جنایت به مقامات مربوطه، عملی مجرمانه است که دیگر در بسیاری از کشورهای کامن‌لا فعال نیست. درجایی که هم فعال بوده یا هست در دسته جرائم جنبه طبقه‌بندی می‌شود و برای اعضای نزدیک خانواده مجرم و یا در مواردی که افشای اطلاعات منجر به متهم شدن خود گزارشگر می‌شود، استثنا قائل شده است (Glazebrook 1964: 189-208; Carl. 2019: 143). در ادامه به جرائمی که گزارش نکردن آن جرم هست می‌پردازیم.

الف. عدم اعلام جنایت، جرائم خشونت‌آمیز، جرائم رایانه‌ای: ایالت‌ها خودداری از گزارش هر جرمی را قابل مجازات نمی‌دانند؛ برای مثال گزارش تخلف و جرائم سبک یک وظیفه قانونی برای همه افراد جامعه محسوب نمی‌شود که نقض آن، مجازات در پی داشته باشد. برای مثال در ایالت اوهایو، عدم گزارش جرائمی که در دسته جنایت (با مجازات بیش از یک سال) قرار دارد، جرم است. قانون اصلاح‌شده اوهایو می‌گوید: «هر شخصی که می‌داند شخص دیگری مرتکب جنایت شده یا در حال ارتکاب جرم است، باید آن را به مجریان قانون گزارش دهد، خودداری از انجام این کار، یک جنایت درجه چهارم است و مجرم را به ۳۰ روز زندان، ۲۵۰ دلار جریمه یا هر دو محکوم می‌کند»^۱ (Ohio Revised Code - 2921.22). اوهایو همچنین گزارش نکردن جرم رایانه‌ای را ممنوع می‌کند یا فردی که بیمار یا مجروح را معالجه می‌کند، در صورتی که در گزارش جراح ناشی از یک تیراندازی، جراح چاقو یا سایر آسیب‌های

1. Ohio ccode § 2921.22. 'Failure to report a crime or knowledge of a death or burn injury. (A) No person, knowing that a felony has been or is being committed, shall knowingly fail to report such information to law enforcement authorities.'

جسمی جدی ناشی از یک جرم خشونت‌آمیز را به مجریان قانون گزارش نکند، می‌تواند متهم به عدم اعلام جرم شود^۱ که در اینجا عمل وی جنبه درجه‌دو (با مجازات حبس تا ۹۰ روز و ۷۵۰ دلار جریمه یا هر دو) خواهد بود. ایالت همچنین گزارش نکردن جراحات ناشی از سوختگی به بازپرس و مجری قانون برای ارائه‌دهندگان خدمات پزشکی را غیرقانونی اعلام می‌کند (Mascolo, 2023: 2). ملاحظه می‌گردد قانون‌گذاران ایالتی تکلیف شهروندان به هر جرم را نمی‌پذیرند، زیرا آنان بیش از آنکه نگران عدم گزارش جرم باشند نگران گزارش نادرست به پلیس و قضات هستند.

بر اساس بخش ۱۷۱/۳۸ قانون کیفری تگزاس، گزارش نکردن جرائمی که منجر به آسیب جدی بدنی یا مرگ شود، جرم است یکی از الزامات مهم این قانون این است که جنایت گزارش نشده به اندازه‌ای جدی باشد که ممکن است شخصی به شدت مجروح یا کشته شود. علاوه بر این، فرد باید شخصاً آنچه را که اتفاق افتاده، مشاهده کرده باشد. شنیدن چیزی برای ایجاد تعهد برای گزارش جرم، کافی نیست. ماده ۱۵۲/۳ قانون جزای کالیفرنیا کسانی را که شاهد ارتکاب قتل، تجاوز یا رفتار فحشا علیه کودک زیر ۱۴ سال هستند، اجبار می‌کند که چنین جرائمی را به یک افسر نظم عمومی گزارش دهد، عدم گزارش در این شرایط یک جنایت است که مجازات آن تا شش ماه زندان و جزای نقدی ۱۵۰۰ دلار است (Ayzman, 2022: 2).

ب. عدم اعلام جرائم منجر به آسیب بدنی: جرائم منجر به آسیب بدنی از دیگر رفتارهایی است که گزارش نکردن آن توسط هر کس، قابل پیگرد خواهد بود. به موجب ماده ۱۷۲/۳۸ کدجزای تگزاس «هر کس آگاهی پیدا کند که ساکن یک خانه گروهی به دلیل حمله، بی‌توجهی، غفلت در مراقبت، آسیب بدنی دیده است و آگاهانه این واقعیت را به مجریان قانونی وزارت خانواده و خدمات حفاظتی اجتماعی، گزارش نمی‌کند، مرتکب جنایت درجه الف شده است.» ملاحظه می‌گردد در این قانون، نه تنها مسئولین مؤسسه و کسانی که وظیفه نظارت بر مؤسسه دارند تحت تابع ماده هستند، بلکه همه افراد جامعه که از این جرم آگاهی دارند، می‌توانند مرتکب این جرم باشند (Anderson, 2005: 168).

ج. عدم گزارش جرائم علیه کودکان: کودک‌آزاری و غفلت نسب به کودکان که منجر به آسیب جسمی و روحی آنان می‌شود، از جمله جرائمی است که ایالت‌ها گزارش آن را وسیله‌ای برای پیشگیری از این جرم

۱. بند ب ماده فوق در این خصوص مقرر می‌دارد:

B) Except for conditions that are within the scope of division (E) of this section, no physician, limited practitioner, nurse, or other person giving aid to a sick or injured person shall negligently fail to report to law enforcement authorities any gunshot or stab wound treated or observed by the physician, limited practitioner, nurse, or person, or any serious physical harm to persons that the physician, limited practitioner, nurse, or person knows or has reasonable cause to believe resulted from an offense of violence.'

می‌شناسند. بر این اساس بعضی از افراد را مکلف می‌سازند در زمانی که ناظر وقوع جرم بوده یا از وقوع آن به هر طریقی مطلع شوند، ارتکاب جرم گزارش نمایند و در غیر این صورت خود مرتکب جرم شده‌اند. گزارشگران اجباری افرادی هستند که برحسب شغل و ارتباطات خانوادگی و... به‌طور منظم با افراد آسیب‌پذیر مانند کودکان، افراد ناتوان و شهروندان سالخورده تماس دارند، بنابراین قانوناً ملزم به تهیه گزارش در هنگام مشاهده یا مشکوک شدن به سوءاستفاده هستند، سوءاستفاده‌ای که باید گزارش شود؛ شامل غفلت، یا سوءاستفاده مالی، فیزیکی، جنسی یا انواع دیگر می‌گردد. تقریباً ۴۸ ایالت، ناحیه کلمبیا، ساموآی آمریکایی، گوام، جزایر ماریانای شمالی، پورتوریکو و جزایر ویرجینیا حرفه‌هایی را تعیین کرده‌اند که اعضای آن‌ها طبق قانون موظف به گزارش بدرفتاری با کودکان هستند (NAIC, 2019: 8).

مشاغل اجباری ممکن است شامل موارد زیر باشد، اما محدود به آن‌ها نیست:

- ارائه‌دهندگان مراقبت از کودکان؛

- مراقبین؛

- روحانیون، ارتباط ممتاز روحانی - توبه‌کننده در اکثر ایالت‌ها معاف است؛

- مشاوران و سایر متخصصان سلامت روان؛

- پزشکان و پزشکان قانونی؛

- ارائه‌دهندگان مراقبت‌های بهداشتی؛

- پلیس و افسران مجری قانون؛

- معلمان، مربیان، مشاوران مدرسه، مدیران و سایر پرسنل مدرسه؛

- مددکاران اجتماعی؛

- پزشکان کلینیک سلامت زنان (در برخی ایالت‌ها)؛ توسعه‌دهندگان فیلم برای مقاصد پورنوگرافی

کودکان (Kenneth Lauet all, 2008: 6; Mason, 2013: 57-58).

حتی از آوریل ۲۰۱۹، در ۱۸ ایالت و پورتوریکو، هر کس (افراد عادی) که مشکوک به کودک‌آزاری یا بی‌توجهی است، موظف است بدون توجه به حرفه خود، سوءاستفاده یا بی‌توجهی مشکوک را گزارش کند (Child Welfare Information Gateway, 2019: 7; Oregon Revised Statutes, ORS 418.750).

همه ایالت عدم گزارش‌دهی توسط افراد و مقامات مزبور را جرم‌انگاری نموده‌اند که قلمرو و مجازات آن بسته به ایالت‌ها متفاوت است. برای مثال مطابق قانون کالیفرنیا «گزارش نکردن یک باور معقول مبنی بر اینکه هریک از جنایات زیر برای قربانی زیر ۱۴ سال اتفاق افتاده است، جرم محسوب می‌شود: قتل، تجاوز جنسی، کودک‌آزاری جسمی و آزار جنسی که بازور، خشونت، اجبار یا ترس از صدمه بدنی فوری و غیرقانونی به کودک یا دیگری رخ داده است.» البته اگر مرتکب عدم گزارش از اعضای خانواده قربانی یا مرتکب، چه از طریق سببی و نسبی باشد از مجازات مستثنا شده‌اند. همچنین کسانی که بر اساس یک

اشتباه منطقی از واقعیت جرم یا ترس‌های منطقی از ایجاد خطر برای خود و خانواده‌اش، از گزارش کودک‌آزاری خودداری می‌کند، از مجازات معاف خواهد بود (PC California, 11166).

کیفر عدم گزارش کودک‌آزاری بسته به وقوع آسیب و عدم آسیب متغیر خواهد بود، هرگاه فرد مکلف جرم را اعلام نکند به یک جرم جنحه متهم خواهد شد که تا ۶ ماه زندان و حداکثر تا ۱۰۰۰ دلار جریمه نقدی مجازات دارد. اما در صورتی که عدم گزارش موجب مرگ یا آسیب بدنی شدید بشود، مجازات مرتکب به حبس تا یک سال و یا جزای نقدی تا ۵۰۰۰ دلار افزایش می‌یابد (PC 11166 c). بر اساس قوانین ایالت واشنگتن و مینوسوتا گزارشگر اجباری که می‌داند یا دلیلی برای این باور دارد که کودک مورد بی‌توجهی یا آزار جسمی یا جنسی قرار گرفته، یا در سه سال گذشته مورد بی‌توجهی یا آزار قرار گرفته است، اما گزارش نمی‌دهد، مرتکب جنحه شدید شده که به حبس تا ۹۰ روز و یا جریمه نقدی تا ۷۰۰ دلار یا هردو محکوم می‌گردد^۱ (WA Rev Code § 70.124.070 (2016); Minn. Stat. § 626.556, subd. 6(a)).

وجه افتراق حقوق ایران با ایالت‌ها این است که عدم اعلام کودک‌آزاری توسط افراد خاص جرم شناخته می‌شود، اما در ایالت‌ها هر فرد عادی ممکن است مرتکب جرم گردد. از طرفی دایره جرم کودک‌آزاری که گزارش ندادن آن کیفر دارد، نسبت به حقوق ما وسیع‌تر است، زیرا غفلت و بی‌توجهی را نیز در برمی‌گیرد.

د. جرائم تروریستی و پول‌شویی: گزارش‌دهی جرائم تروریستی و تأمین مالی تروریسم در سطوح ایالتی و فدرال اجباری بوده و نقض این تکلیف مطابق قانون پاتریوت جرم شناخته می‌شود، حتی در سطح فدرال، جرم عدم گزارش به اشخاص حقوقی نیز تسری یافته است بر اساس بند ۲ از بخش 113b از عنوان ۱۸ کدجزای ایالت متحده هر مؤسسه مالی که از مالکیت و یا کنترل هرگونه وجوهی که یک سازمان تروریستی خارجی یا عامل آن در آن نفعی دارد مطلع شود، بایستی ضمن توقیف آن، وجود چنین وجوهی را به مقامات گزارش دهد و هر مؤسسه که آگاهانه از انجام تکالیف فوق خودداری کند به جزای نقدی تا ۵۰ هزار دلار یا جریمه معادل دو برابر وجوه قابل کنترل هرکدام که بیشتر باشد محکوم خواهد شد.

ز. سایر جرائم: در برخی ایالت‌های ایالات متحده، پنهان کردن مرگ یا عدم گزارش آن به‌صورت قانونی به عنوان جرم شناخته شده و مجازات‌های مشخصی در پی دارد. به‌عنوان مثال، در ایالت کالیفرنیا، پنهان کردن فعالانه یا تلاش برای پوشش دادن مرگ ناشی از تصادف، به‌عنوان جنایت تلقی می‌شود و مجرم را در معرض حبس به مدت یک سال یا جریمه مالی تا ۱۰۰۰۰ دلار قرار می‌دهد. در ایالت جورجیا نیز، طبق ماده ۳۱-۱۰-۱۶ قانون جزای مصوب سال ۲۰۲۰، هرگونه عملی که منجر به پنهان کردن مرگ یا ممانعت از کشف اینکه آیا فرد به‌صورت غیرقانونی کشته شده است یا خیر، باشد، ممنوع است. این نوع

۱. ماده ۷۰/۱۲۴/۷ قانون جزای واشنگتن «شخصی که طبق ماده ۷۰/۱۲۴/۳۰ RCW یا ۷۰/۱۲۴/۴۰ ملزم به تهیه یا اعلام گزارش (کودک‌آزاری و بی‌توجهی به کودک) است و آگاهانه از ارائه چنین گزارشی کوتاهی می‌کند یا مانع آن می‌شود، مرتکب جنایت جدی است.»

رفتار می‌تواند منجر به حبس حداکثر ۱۰ سال یا جریمه مالی تا ۵۰۰۰ دلار شود. علاوه بر این، در بسیاری از ایالت‌ها، عدم گزارش خشونت خانگی نیز به‌عنوان جرم شناخته شده و مجازات‌های قانونی دارد. همچنین، اعلام جرائم مرتبط با تقلب در بیمه مدیکر یا مزایای تأمین اجتماعی به مقامات ذی‌صلاح الزامی است. عدم رعایت این قانون می‌تواند منجر به محکومیت به جنبه و در نتیجه، مجازات‌هایی شامل حبس یا جریمه مالی شود (zolma, 2019: 2, 11; Diana, Marina, 2021: 833-838).

۳-۴. مجازات عدم گزارش در قالب معاونت و عناوین مجرمانه دیگر

ایالت‌های که «کنمان جنایت» کامن‌لا را نپذیرفته‌اند، اغلب قوانینی با شرایط بالاتر از عدم گزارش جرم دارند که در آن عدم اعلام یک جنایت مشاهده‌شده، تحت پوشش عناوین دیگری مانند مسئولیت مشترک (مساعدت با اعمال بعد از وقوع جرم) یا در قالب عناوین جرائم علیه عدالت یا جرم ارائه اطلاعات کذب به پلیس، مورد تعقیب قرار می‌گیرد. ویژگی بارز قوانین مزبور، ارتباط آن‌ها با ممانعت از اجرای عدالت، یا کمک آشکار به مرتکب بعد از وقوع جرم است. بر این اساس در برخی ایالت‌ها عدم اعلام جرم، در مواردی ممکن است عمل فرد را به درجه معاونت در جرم ارتقا دهد، بدین شرح که فرد با عدم اعلام واقعیت به پلیس و دادن اطلاعات بی‌ربط و دروغ گفتن، باعث کشف نشدن جرم شده و از این طریق وقوع آن را تسهیل می‌سازد. در نتیجه مستکف را می‌توان به‌عنوان معاون و مساعدت‌کننده مسئول شناخت. هر ایالت قوانین مربوط به مسئولیت همدست خود را دارد که عناصر و گاهی حتی نام آن ممکن است از ایالتی به ایالتی دیگر متفاوت باشد؛ اما این قوانین عموماً ایجاب می‌کنند که متهم برای جلوگیری یا تأخیر در دستگیری کسی، کاری انجام دهد که معمولاً پنهان کردن یا از بین بردن شواهد را پوشش می‌دهد. بر اساس ماده ۳ از عنوان ۱۸ کد ایالت متحده^۱.

کمک‌کننده بعد از وقوع عمل،^۲ کسی است که کمک می‌کند: ۱. به یک مرتکب جرم؛ ۲. بعد از اینکه مرتکب جرم را تمام کرد؛ ۳. با علم به اینکه شخص مرتکب جرم شده است؛ ۴. با این قصد کمک می‌کند که مجرم از دستگیری و یا مجازات‌رهایی یابد که چنین فردی امکان دارد تحت عنوانی مانند ممانعت از اجرای عدالت نیز مسئول شناخته شود. در واقع عدم اعلام جرم، بیشتر شبیه به «ضمیمه بودن

1. 'Whoever, knowing that an offense against the United States has been committed, receives, relieves, comforts or assists the offender in order to hinder or prevent his apprehension, trial or punishment, is an accessory after the fact.

Except as otherwise expressly provided by any Act of Congress, an accessory after the fact shall be imprisoned not more than one-half the maximum term of imprisonment or (notwithstanding section 3571) fined not more than one-half the maximum fine prescribed for the punishment of the principal, or both; or if the principal is punishable by life imprisonment or death, the accessory shall be imprisoned not more than 15 years."

2. accessory after fact

بعد از واقعیت» است؛ زیرا هر دو جرم در جایی اعمال می‌شود که عملی برای پنهان کردن ارتکاب جرم انجام شده باشد. اکثر دادگاه‌ها قوانین مساعدت پس از عمل را نسخه مدرن از کتمان جنایت می‌دانند. باین حال، یکی از تفاوت‌هایی بین آن‌ها این است که قانون مساعدت ایجاب می‌کنند که شخص با یک فعل مثبت به مجرم -مانند پناه دادن یا هشدار به او، پنهان کردن شواهد یا کمک به او برای جلوگیری از دستگیری- کمک کند، درحالی‌که در عدم گزارش، رفتار مثبت لزومی ندارد (Wayne LaFave, 200: 50; Horner, 1979: 531-539; Mascolo, 2022: 3). حاصل آنکه هرگاه عدم گزارش با رفتارهای همراه باشد که به رهایی مجرم از مجازات کمک می‌کند، حتی اگر عدم گزارش، جرم‌انگاری باشد تارک فعل تحت عنوان مساعدت در جرم قابل پیگرد خواهد بود. متهم شدن به جرم مساعدت بعد از جرم، مسئولیت شدیدی دارد؛ زیرا مسئولیت شریک جرم اغلب منعکس‌کننده مسئولیت کیفری مجرم اصلی است، بنابراین اگر مجرم اصلی مرتکب سرقت شود، آنگاه مجرم جانبی نیز با یک جرم جانبی روبه‌رو خواهد شد.

۳-۱-۵. اختصاص به جرائم تام

اکثر قوانین ایالتی کتمان جرم، تنها در مورد عدم گزارش یک جنایت تام اعمال می‌شود، یعنی وقتی می‌توان اشخاص را بابت عدم گزارش جرم تحت تعقیب قرار داد که آن جرم به‌صورت کامل اتفاق افتاده باشد و در مرحله شروع و یا جرم عقیم و محال نباشد؛ بنابراین کسی که فقط شاهد شروع به جرم بوده، ولی نمی‌داند که متهم جرم را تمام کرده یا با انصراف ارادی خود جرم را ناتمام گذاشته است، اگر شروع به آن جرم را گزارش ندهد، مسئولیت نخواهد داشت. باین حال باید توجه داشت در معدودی از ایالت عدم گزارش «جرمی که در آینده محقق می‌شود» نیز جرم شناخته می‌شود (Goldman, 2016: 320, captue 4; Shanonhous, 1974: 71).

۳-۲. سطح فدرال: عنصر مادی کتمان عمدی آگاهی خود از جنایت

بر اساس قوانین فدرال، شخصی که می‌داند یک جنایت رخ داده و ساکت می‌ماند، احتمال دارد با اتهامات جنایی روبه‌رو شود. کتمان جنایت اولین بار در سال ۱۷۸۹ با اقتباس از کامن‌لا وارد قوانین ایالات متحده شد و این جرم در سیستم فدرال، بزهی است که با جریمه نقدی و حداکثر تا سه سال زندان مجازات می‌شود. قانون کامن‌لا، صرف اطلاع از یک جنایت (نه جنحه) و عدم اعلام به مقامات را جرم‌انگاری می‌نمود؛ اما قانون فدرال معاصر عدم اطلاع به مقامات را کافی نمی‌داند و ایجاب می‌کند که متهم برای پنهان کردن جنایت، حتماً اقدام مثبتی نیز انجام دهد. جرم کتمان جرم، در ماده ۴ از عنوان ۱۸ کدجزای آمریکا پیش‌بینی شده است که اشعار می‌دارد: «هرکسی که از وقوع جنایت مطلع شود که توسط دادگاه‌های ایالت متحده قابل‌رسیدگی است و آن را در اسرع وقت به قاضی یا افرادی از مقامات مدنی و یا نظامی آمریکا اعلام نکند و پنهان نماید عمل او جرم محسوب شده و به جزای نقدی و حبس تا حداکثر ۳ سال

محکوم می‌گردد»^۱ با عنایت به منطوق ماده، جرم دارای چهارعنصر است:

۳-۲-۱. وقوع یک جنایت فدرال تام

برای محکومیت اشخاص لازم است جرمی که مباشر اصلی انجام داده از نوع جنایت باشد و تمام مراحل را طی نموده و به‌طور کامل انجام یافته باشد. در نتیجه جرائم جنحه‌ای و تخلفات از شمول ماده ۴ خارج می‌شوند، اگرچه ممکن است به‌طور استثنایی عدم گزارش برخی از جنحه‌ها مستقلاً جرم‌انگاری شده باشد. همچنین متخلف اصلی نیازی به محکومیت یا حتی تعقیب قضایی ندارد و اینکه دولت از جنایت زمینه‌ای آگاه بوده یا مرتکب را شناسایی کرده باشد، شرط مسئولیت کیفری ترک‌کننده گزارش نیست (Curenton, 2003: 184).

در فراز دوم شرط «قابل تشخیص توسط دادگاه ایالت متحده» به این معناست که جنایت زمینه‌ای، صرف‌نظر از اینکه چه طبقه‌ای دارد باید در لحظه‌ای که متهم باخبر می‌شود، لازم‌الاجرا و تحت صلاحیت‌های دادگاه‌های فدرال باشد و این مستلزم آن است که در لحظه‌ای آگاهی از جرم، جنایت فدرال نافذ بوده و لغو و جرم‌زدایی نشده باشد؛ زیرا وقتی جرم زمینه‌ای با نسخ قانون از بین می‌رود شخص وظیفه‌ای برای گزارش هم نخواهد داشت؛ اما اگر دادستان و دادگاه، مجرم اصلی جنایت زمینه‌ای را به دلیل فوت یا معاذیر قانونی قبل از کیفرخواست و یا در دادرسی تحت تعقیب قرار ندهد این امر مانع از محاکمه کسی که جرم را گزارش نداده است، نخواهد بود (United States v. Davila, 698 F.2d 715, 723 (5th Cir. 1983)). در دعوای ایالات متحده علیه وایت‌ایگل دادگاه رأی داد که جنایت اصلی و جرم عدم گزارش جنایت، دو جرم مستقلی هستند که مسیر محاکمه مستقلی را دنبال می‌کند، بنابراین مرگ متهم اصلی تأثیری بر شخص تارک گزارش ندارد ((White Eagle, 721 F.3d 1108 (9th Cir 2013)).

۳-۲-۲. اطلاع متهم از ارتکاب جرم

شرط دوم، اینکه فرد از وقوع جرم توسط مباشر اصلی آگاه باشد، اما در زمینه میزان دانش و آگاهی، برداشت‌های مختلفی وجود دارد. تا قبل از دعوای ایالت متحده علیه السون، تلقی عمومی از ماده این بود که همین‌که فرد از رفتاری‌های اساسی تشکیل‌دهنده جنایت، آگاه باشد برای محکومیت او کافی است و نیازی به علم به «جنایت بودن» رفتار نیست؛ اما بعد از دعوای مزبور دادگاه‌های آمریکا این نظریه را پذیرفتند که برای تحقق جرم اولاً، فرد باید بداند که جرم زمینه‌ای با تمام ارکان اتفاق افتاده باشد و ثانیاً، متهم بداند که جرم ارتكابی از نوع جنایت است، زیرا الزام قانونی به اطلاع شامل تمام عناصر جرم

1. 18.U.S. Code § 4: "Whoever, having knowledge of the actual commission of a felony cognizable by a court of the United States, conceals and does not as soon as possible make known the same to some judge or other person in civil or military authority under the United States, shall be fined under this title or imprisoned not more than three years, or both."

از جمله عنوان جرم می‌شود. دادگاه استدلال کرد که سابقه کتمان جنایت نشان می‌دهد که کنگره قصد دارد آن را به رفتارهای اساسی محدود کند؛ یعنی «فرد معمولی آن را جنایت و جدی می‌داند و فکر می‌کند که او مجبور است به پلیس گزارش دهد.» ثالثاً، دادگاه به این نتیجه رسید که برای دانستن اینکه جرم زمینه‌ای یک جنایت است، متهم باید بداند که مجازات آن با اعدام یا حبس بیش از یک سال است، باین حال، ضرورتی ندارد که متهم بداند، جرم مباشر یک جرم فدرال است و دلیل اشاره مقتن به لفظ فدرال در ماده از باب صلاحیت محاکم فدرال است، لذا ضرورتی وجود ندارد که متهم از ماهیت فدرالی بودن جرم، آگاهی داشته باشد، بلکه علم به نفس جنایت بودن کفایت می‌کند (US v. Olson, 9th cir, 2017; Goldsmit, 2017: 4-5).

۳-۲-۳. عدم گزارش و اطلاع متهم به مقام مجری قانون

محکومیت به عدم اعلام جرم، شامل متهمانی می‌شود که هیچ تلاشی برای آگاه کردن مقامات از وقوع جرم انجام نمی‌دهند (kelin, 2018: 301)، بنابراین برای رهایی از مجازات، هرگونه اطلاع دادن به مقامات مزبور کفایت خواهد کرد و در این میان کیفیت و شیوه اطلاع‌رسانی شرط نیست. امروزه روش رایج گزارش جرم از طریق تلفن خط ۹۱۱، ایمیل، پیامک، مراجعه حضوری به کلانتری است گزارش ناشناس نیز از مجرای پورتال‌های فدرال و ایالتی مورد قبول است بحث برانگیزترین عبارت ماده، گزارش در اسرع وقت به مقامات مزبور است. این امر یک عنصر ذهنی است که بایستی موردی اظهار نظر شود و باین حال از دیدگاه رویه قضایی، متهم باید به محض اینکه برای متهم فرصت بی‌ضرر پیش بیاید بایستی گزارش دهد (Lancey v. United States, 356 F.2dat411).

۳-۲-۴. لزوم انجام اقدام مثبت برای کتمان جرم

برای تحقق جرم در سطح فدرال، صرف عدم گزارش کافی نیست، بلکه متهم بایستی جنایت را «پنهان» نماید که عملی مثبت تلقی می‌شود. اعمال معمول پنهان‌کاری شامل اظهارات نادرست، پنهان کردن شواهد و پناه دادن به جنایتکار است. تشخیص این‌که آیا اقدامات شخصی به‌منزله کتمان است یا خیر، به عهده هیئت‌منصفه است (US v. Olson, 856 F.3d 1216 (9th Cir. 2017; US v. Johnson, 546 F.2d 1225 (5th Cir. 1977)). فرض کنید، مارتی می‌داند که همسایه‌اش، در حال کشت ماری‌جوانا است. مارتی صرفاً به خاطر سکوت خود مقصر جرم فدرال نخواهد بود؛ اما اگر او در مورد کشت به پلیس دروغ بگوید، مرتکب جرم شده است. اگرچه جرم تعریف گسترده‌ای دارد، اما تعقیب کیفری افراد عادی غیر معمول است.

دادستان‌ها معمولاً برای افرادی که وظایف ویژه و ایجابی برای گزارش جرائم دارند، مانند نگهبانان زندان و مقامات منتخب، اتهامات مربوط به کتمان جنایت را محفوظ می‌دارند. باین حال، هیچ چیز در

زبان قانون آن را به چنین مواردی محدود نمی‌کند. دادستان‌ها معمولاً برای انواع خاصی از جنایات چون خیانت و تروریسم که دولت می‌خواهد گزارش‌دهی را تشویق کند، از آن استفاده می‌کنند. نکته دیگر اینکه جرم عدم اعلام جرم در قوانین مهاجرتی نقش بسیار پررنگی ایفا می‌کند. به دلیل عنصر کتمان که شامل دروغ‌گویی و فریب می‌شو، دادگاه‌ها ارتکاب این جرم فدرال را به‌عنوان جرم متضمن توهین اخلاقی دانسته و با استفاده از آن اقامت بیشتر مهاجران را در آمریکا ممنوع می‌کنند.

۳-۲-۵. عام بودن مرتکب

قانون، ماده ۴ به صراحت می‌تواند توسط هرکسی نقض گردد، کلمات «شخص» و «هرکسی» شامل شرکت‌ها، انجمن‌ها، گروه‌ها و مؤسسات نیز می‌شود. به‌رغم چنین تعریف گسترده، هیچ مورد گزارش شده‌ای منعکس‌کننده کیفرخواست علیه غیرافراد حقیقی نیست. باین‌وجود، امکان کیفرخواست علیه شرکتی که دارای امتیاز اصلاح پنجم متمم قانونی نیست، نباید نادیده گرفت. در این میان قابل‌تصور است که بتوان علم همه نمایندگان شرکت را به خود شرکت نسبت داد؛ بنابراین اگر هر یک از مأموران اقدامی مبنی بر کتمان جنایتی را که شرکت گزارش نکرده، انجام داده باشد، می‌توان شخص حقوقی را محکوم کرد (Horner, 1979: 535).

۳-۲-۶. عدم اعلام جرائم خاص دیگر

ماده ۴ یک قانون عام و مکمل است که قوانینی خاصی را که عدم گزارش برخی جرائم توسط مقامات را مستقلاً جرم‌انگاری نموده‌اند، تکمیل می‌سازد. قانون‌گذار فدرال، در قوانین خاص، برخی مقامات یا همه شهروندان را ملزم می‌سازد تا به محض اطلاع از جرائمی که در حوزه فعالیت آن‌ها اتفاق افتاده به دادگاه و مقامات تعقیب اطلاع دهد، برای مثال عدم گزارش کلاهبرداری از بیمه درمانی مدیر مستوجب حبس تا ۵ سال است. یا مطابق بخش ۱۵۱۹ از عنوان ۱۸ (اصلاحی بخش هشتم قانون ساربنزی و اکسلی ۲۰۰۲) هر کس که از وقوع کلاهبرداری مالی یا ورشکستگی در شرکت‌ها مطلع شوند و به قصد ممانعت و تأثیرگذاری بر تحقیقات در حال انجام دادگاه فدرال، عمداً سوابق و اسنادی را حذف، جعل، تغییر یا پنهان سازد به جزای نقدی یا حبس تا ۲۰ سال محکوم خواهد شد. ملاحظه می‌گردد در این قانون فرد مطلع علاوه بر ترک فعل (خودداری از گزارش) با اقدام مثبت نظیر پنهان‌سازی و حذف هرگونه اسناد و سوابق، مانع اطلاع مقامات از جرم ارتكابی می‌شود، رویکردی که مقنن در ماده ۴ قانون جزای آمریکا اتخاذ کرده است. نکته دیگر اینکه مصادیق سوابق در ماده محدودیت ندارد، به‌گونه‌ای که در یک پرونده شخصی به نام ماتانوف که با آگاهی از تحقیقات فدرال، سوابق مرورگر اینترنتی خود را پاک کرد تا اطلاعات راجع به متهمان دیگر کشف نشود وفق ماده چهار به ۲۰ سال زندان محکوم گش (DeVries, 2017: 19).

۴. عنصر معنوی

۴-۱. در حقوق ایران

سوءنیت و عمد یا قصد مجرمانه عبارت است از «اراده فاعل به ارتکاب جرم همان گونه که قانون تعیین کرده است و یا آگاهی بزهکار به نقض ممنوعیت‌های قانونی» به سخن دیگر، قصد مجرمانه به این معنی است که فاعل بداند فعلی را که مرتکب می‌شود، به نتیجه مخالف اوامر و نواهی قانون‌گذار منتهی خواهد شد (اردبیلی، ۱۴۰۱: ۲۳۵)؛ بنابراین در جرائم عمدی فعل و نتیجه آن هر دو مورد اراده و خواست عامل است (گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۱۸۰). از لحاظ رکن معنوی این جرم، با سوءنیت عام محقق می‌شود و عمد در خودداری از اعلام بایستی احرار گردد، بنابراین اگر عمداً حتی با نیتی خیرخواهانه، جرائم مزبور را اعلام نکند، جرم تحقق یافته است.

موضوع جرم عدم اعلام، همه حالت «عدم گزارش جرم ارتکاب یافته» است، بنابراین مرتکب جرم باید علم به جرم بودن عمل و ارتکاب آن داشته باشد. ماده ۲۵ قانون دیوان محاسبات در این زمینه مقرر داشته «چنانچه هیئت‌های مستشاری وقوع جرمی را احرار نمایند» ماده ۶ قانون کودک‌آزاری از لفظ «مشاهده» استفاده کرده که دلالت بر لزوم علم مقامات به وقوع جرم دارد. ماده ۶۰۶ هم صریحاً اشعار می‌دارد: «هریک از رؤسا، مدیران ... از وقوع جرم ارتشا... مطلع شده» در این ماده مقنن، اطلاع مسئول از جرائم ارتكابی را شرط تحقق جرم می‌داند.

۴-۲. در نظام آمریکا

عدم اعلام جرم، چه در سطح فدرال و ایالتی جرمی عمدی است که مرتکب آن به موازات علم به عنصر مادی باید دارای قصد مجرمانه در انجام ترک فعل و عمل پنهان‌کاری باشد. به عبارت دیگر، اول، آنکه جرم با سوءنیت عام محقق می‌شود و از قوانین بر می‌آید که سوءنیت خاص لازم نیست، بنابراین برای تحقق جرم، نخست مرتکب باید بداند یک جرم ایالتی (نظیر جنایت، کودک‌آزاری و...) و یا جنایت فدرال موضوع ماده ۴ قانون فدرال اتفاق افتاده است، خواه علم خود را با حضور و مشاهده در لحظه وقوع جرم به دست آورده یا به طریق دیگری مانند اقرار مجرم اصلی و یا مشاهده آثار جرم از وقوع جرم مطلع شده است؛ دوم، آنکه مرتکب بداند جرم ارتكابی از نوع جنایت است، منتها لازم نیست از فدرال بودن جرم زمینه‌ای هم آگاه باشد (Dresler, 2021: 455). دادگاه استیناف حوزه نهم فدرال در این خصوص رأی داد که دولت باید ثابت کند مرتکب آگاه بود که مجازات جرم زمینه‌ای اعدام یا بیش از یک سال زندان هست؛ ولی علم به مدت دقیق حبس جرم زمینه ضرورتی ندارد، اما حداقل می‌دانست که مجازات احتمالی بیش از یک سال است؛ سوم، آنکه متهم عمداً از گزارش جرم به مقامات خودداری ورزد و در مواردی که پنهان‌کاری لازم است عمداً با اقدامات مثبت، پنهان‌کاری را انجام دهد

(us.v.gebbi, 294,f3d.540,544 (3ddcir). 2002).

از دیدگاه رویه قضایی علاوه بر علم یقینی متهم به وقوع جرم، اگر متهم باور معقول داشته باشد که جرمی اتفاقی است تکلیف به گزارش دهی استقرار می یابد. در پاسخ به این پرسش که آیا یک فرد عاقل با همان شرایط و اطلاعات می دانست که جرم اتفاق افتاده است؟ اگر جواب مثبت باشد عنصر معنوی جرم محقق می شود (pope v. state.382a2d880,885md ct spec.app. 1979; us v. smith.no 3440, 2004). در سطح ایالت ها به طور معمول، عدم گزارش باید به دلیل «قصد سوء» مرتبط با جرم در حال کشف باشد. برای مثال، در یک پرونده قدیمی ماساچوست، متهم در حین رابطه نامشروع جسد کودک مفقود شده ای را کشف کرد، ولی از آنجایی که می ترسید ماجرای خود لو برود به پلیس یا دادستان ها گزارش نداد. در اینجا میل به مخفی نگه داشتن رابطه (و اجتناب از تعقیب احتمالی برای زنا) نه میل به ممانعت از عدالت برای مرتکب قتل - انگیزه سکوت او بود. به همین جهت، دادگاه تجدیدنظر رأی داد که او نباید به جرم عدم اعلام جرم محکوم شود (Commonwealth v. Lopes, 61 NE2d 849 (Mass. 1945)).

از سوی دیگر تحقق جرم عدم گزارش، منوط به وجود قصد خاصی در مرتکب نیست، چون که در ماده ۴ هیچ قیدی و قرانی برای قصد و انگیزه مرتکب مشاهده نمی گردد. مطابق رأی دادگاه استیناف فدرال حوزه یازدهم و نهم حتی اگر متهم قصدی برای رهایی مرتکب اصلی از مجازات و دستگیری یا ممانعت از عدالت و یا قصد اضرار به شخص دیگری نداشته باشد، محکومیت او به مجازات ماده ۴ امکان پذیر خواهد بود. باین حال، مرتکب باید قصد پنهان کردن را داشته باشد که به معنای عمد در فعل است و با سوءنیت عام انطباق دارد (United States v. Brantley, 2015).

۵. استثنائات جرم خودداری از اعلام بزه (علل خاص توجیه کننده)

۵-۱. حقوق ایران

قانون گذاران گاهی بنا به مصلحتی الزام به اعلام جرائم را از عهده مسئولین و افراد برداشته و آن ها را مختار به گزارش می سازند. در این صورت تخلف از اعلام جرم، دیگر جرم شناخته نمی شود. در جرائم علیه عدالت قضایی اصل بر اعلام است، اما در دو جا استثنا شده است: ۱. مصونیت خانوادگی؛ ۲. داشتن وظیفه رازداری و حفظ اسرار شغلی.

۵-۱-۱. مصونیت خانوادگی

اگر پدر و مادر و همسر متوجه شد جرمی توسط اعضای خانواده رخ می دهد، بایستی اعلام کند؟ اگر اعلام کند مصونیت خانوادگی چه می شود و اگر اعلام نکند سیاست مبتنی بر مشارکت مردم چه می شود؟ در پاسخ باید گفت برخی کشورها مانند فرانسه و اردن (ماده ۲۰۶) در صورتی که مرتکبان جرم اعم از مباشران یا معاونان، والدین فرد مطلع در یک خط مستقیم یا همسران آن ها و نیز برادران، خواهران یا

همسران آن‌ها باشند، گزارش و اعلام جرم را لازم ندانسته است و این بدان علت است که معمولاً گزارش جرم علیه کسی به‌ویژه نزد مقامات ذی‌صلاح، کدورت‌هایی را میان گزارشگر و متهم پدید می‌آورد. قانون‌گذار نخواسته است به بهای تأمین یک مصلحت اجتماعی و مبارزه با بزهکاری، کیان خانواده‌ها و روابط خانوادگی و خویشاوندی در معرض آسیب قرار گیرد. در واقع در تعارض میان مصلحت تسهیل اجرای عدالت و حفظ روابط خانوادگی ترجیح با مصونیت خانوادگی است.

نظام حقوقی ما نسبت به اثر روابط خانوادگی در جرم کتمان جنایت ساکت است. به نظر می‌رسد مقامات و مدیرانی که به دلیل داشتن رابطه خانوادگی با مجرم از گزارش خودداری کرده‌اند، قانوناً عملشان قابل پیگرد است؛ ولی چنین انگیزه و وضع خاصی می‌تواند از موارد کیفیات مخفیه مجازات به شمار آید. آنچه از فقه برمی‌آید رابطه خانوادگی (رابطه ابوت) صرفاً در دو جرم سرقت حدی و قتل عمدی اثر دارد و از میان انواع نسبت خویشاوندی، رابطه ابوت مسقط حد و قصاص پدر شناخته شده است (نجفی، ۱۳۷۴: ۴۸۶-۸۹؛ محقق حلی، ۱۴۲۱: ۱۶۰؛ حلی، ۱۴۱۹، جلد ۹: ۲۳۳؛ خویی، ۱۴۲۲: ۲۵۱). ولی در مورد امکان یا عدم امکان تعزیر پدر و جد پدری اختلاف نظر است، هرچند مشهور فقها قائل به تعزیر وی هستند (اردبیلی، ۱۴۰۵: ۲۲۶، نجفی، ۱۳۷۴: ۴۱۹).

باوجوداین، به عقیده برخی از نویسندگان وحدت ملاک تأثیر رابطه خانوادگی در سرقت با سایر جرائم تأثیر قرابت به بقیه جرائم از جمله جرائم اموال مالکیت را ایجاب می‌نماید، بلکه می‌توان گفت تأثیر رابطه خانوادگی در جرائم مالی غیر از سرقت حدی به قیاس الویت استنباط می‌گردد. چه اینکه در مورد حکم قصاص بعضی از اقارب نیز، روایات وارده ناظر به عدم امکان قصاص نفس بر پدر است و عدم امکان قصاص عضو از فحوی دلیل استفاده شده است. در مورد جرائم علیه اموال نیز از آنجا که سرقت حدی فرد اجلابی این‌گونه تعدیات است، هنگامی که در این جرم رابطه خانوادگی خاص مؤثر در حکم است، به طریق اولی در سایر جرائم که از حیث مجازات سبک‌تر از سرقت حدی است رابطه خانوادگی مورد نظر تأثیرگذار خواهد بود. به دیگر سخن نمی‌توان گفت در جرم سرقت که دارای شرایط بیشتر و مجازات شدیدتری است، در صورت سرقت پدر از مال فرزند مجازات اصلی این جرم ساقط می‌شود؛ ولی در صورت خیانت پدر در مالی که فرزند به او سپرده است مجازات ساقط نمی‌شود، این معنا در آرای برخی از فقهای معاصر قابل مشاهده است (حیدری، ۱۳۹۳: ۱۲۲). در جرم خودداری از اعلام بزه نیز می‌توان به قیاس اولویت حکم به عدم مسئولیت مرتکب داد و این نظر با تفسیر به نفع متهم نیز هماهنگ تر است.

۵-۱-۲. داشتن وظیفه رازداری

کسانی که به مناسبت شغل ملزم به حفظ اسرار هستند، در موقعیت دوگانه‌ای قرار می‌گیرند: اگر جرم را اعلام کنند، سرّ مربوطه افشا یافته و اگر اعلام نکنند، این خود می‌تواند به عنوان جرم ارتکاب پیدا کند. در

پاسخ به این دوگانگی، باید توجه داشت که اگرچه گزارش جرم از جانب پزشکان یا وکلا به دلیل اعتبار اطلاعات به نفع جامعه خواهد بود، اما از سوی دیگر، این امر با قیمت سلب اطمینان بیمار یا موکل نسبت به پزشک یا وکیل خود همراه است. در حقیقت، حتی ممکن است وظایف حرفه‌ای مرتبط با گزارش جرم، نه تنها به افزایش اطلاعات منجر نشود، بلکه میزان اطلاعات را کاهش دهد. زیرا افراد به دلیل ترس از گزارش اطلاعات، اطلاعات فیلتر شده‌ای را در اختیار وکلا قرار می‌دهند یا حتی از مراجعه به آن‌ها خودداری می‌کنند.

این سیاست موضع غالب در نظام‌های حقوقی خارجی است. بر اساس ماده ۱-۴۳۴ قانون جزای فرانسه، وکلا به دلیل مصونیت حرفه‌ای، ملزم به گزارش جرم نیستند؛ زیرا طبق ماده ۱۳-۲۲۶ قانون جزای فرانسه، نقض وظیفه رازداری حرفه‌ای خود جرم است. چون وکلا در مواجهه با دو معیار کاملاً متناقض یعنی وظیفه افشای جرم و وظیفه رازداری قرار دارند، لذا در گزارش یا عدم گزارش جرم مختار خواهند بود (Stretch, 2003: 18). با این حال، باید توجه داشت که یک متخصص فقط در صورتی به دلیل رازداری حرفه‌ای از گزارش جرم مستثنا می‌شود که در زمان انجام مسئولیت‌های حرفه‌ای خود به جرم واقف شده باشد (Soutoul, 1992: 21). اما در نظام حقوقی ما در این خصوص برخی از نویسندگان معتقدند در این فرض بایستی قدر متیقن گرفت؛ یعنی در تعارض بین ماده ۶۴۸ که اگر کسانی به مناسبت شغل محرم اسرار می‌شوند، افشای اسرار مسئولیت کیفری دارد و درجایی که می‌بایستی جرم قبل از وقوع اعلام شود قدر متیقن این است که در چارچوب راز بنا را بر عدم افشا می‌گذاریم. اما در جنایات علیه امنیت و تمامیت ارضی و تروریسم، مصونیت خانوادگی معنی ندارد، افشای راز و سر معنی ندارد؛ چراکه اهمیت جرائم علیه امنیت ایجاب می‌کند که یک جامعه برای جلوگیری از وقوع جرم بسیج شوند. در مورد اعلام جرم سه حالت در نظر می‌گیریم: ۱. قبل از وقوع جرم؛ ۲. اینکه اگر مقام‌های قضایی را مطلع کنیم آثار جرم را کاهش خواهیم داد، باید مقام‌ها را مطلع کنیم؛ ۳. اگر قادر هستیم که مطلع کنیم تا افراد مرتکب جرم دستگیر شوند، باید اعلام کنیم (کوشا، ۱۳۸۹: ۱۲).

۵-۲. استثنائات در حقوق آمریکا

۵-۲-۱. رابطه خویشاوندی

در کامن‌لا خویشاوندان مجرم، الزامی به گزارش جرم او نداشتند. درواقع یکی از استثنائات حاکم، رابطه خویشاوندی بود، لذا هرگاه والدین، خواهر و برادر و همسر مرتکب اصلی جرم، جنایت او را پنهان می‌کرد از مجازات معاف بودند (Curenton, 2003: 8; Watson mark, 2012: -14). در قوانین ایالتی عموماً داشتن رابطه خویشاوندی نسبی و سببی با مرتکب تکلیف گزارش را از ذمه مطلع بر نمی‌دارد و به‌ویژه در جرائم کودک‌آزاری قوانین همه افراد، از جمله پزشک، والدین، همسر و روحانیون را در زمره گزارشگران اجباری قرار می‌دهند و نقض این تکلیف را با مجازات جنحه‌ای و حتی جنایی پاسخ می‌دهند. باین حال

در بعضی از ایالت‌ها، خویشاوندی از عوامل توجیه‌کننده استتکاف از گزارش جرم به شمار می‌آید. بند ۱ (الف) ماده ۵۱۰۶ کدجای پنسیلوانیا در این خصوص مقرر می‌دارد عدم گزارش (صدمات ناشی از جرم و سلاح گرم) در موارد ذیل جرم محسوب نمی‌شود. جراحت توسط فردی وارد شده است که همسر فعلی و سابق مرتکب و قربانی است، یا مرتکب شریک زندگی فعلی و سابق متهم باشد، والدین بیولوژیکی مرتکب جرم باشد، «ایالت کالیفرنیا نیز استثنای را نسبت به وظیفه گزارش جرم به رسمیت می‌شناسد که در پی حفظ برخی روابط ممتاز است. بر همین اساس مقنن شاهدان و مطلع را ملزم نمی‌کند جرمی را که توسط همسر، فرزند، برادر، خواهر، جد پدری و مادر بزرگ یا نوه مرتکب شده است. گزارش دهد (ماده ۱۵۲/۳) ایراد اساسی بر قانون کالیفرنیا این است که گزارش اجباری تجاوز و فحشا علیه افراد بالای ۱۵ را در برنمی‌گیرد؛ به همین جهت در یک پرونده سال ۲۰۰۹ که در آن دختری به هنگام بازگشت از دبیرستان در حضور ده‌ها نفر مورد تجاوز خشونت‌آمیز قرارگرفته و شاهدان بی تفاوت بوده‌اند، بحث جدی توسط پلیس و مردم نسبت به عدم تعمیم مجازات به افرادی که شاهد جنایت بر قربانی ۱۵ ساله بوده‌اند، درگرفت (Ayzman, 2023: 3). بر اساس ماده ۲۲/۲۹۲۱ قانون اوهایو نیز هرگاه افشای اطلاعات از جنایت، منجر به تحت تعقیب قرار گرفتن همسر یا یکی از اعضای نزدیک خانواده گزارش‌دهنده شود، خودداری از اعلام جرم، مسئولیت کیفری ایجاد نمی‌کند.

به‌طور کلی در ۱۴ ایالت تعقیب قضایی اعضای خانواده به دلیل کتمان جنایت و پناه دادن به افراد فراری صرف‌نظر از ماهیت جرم و یا میزان دخالت اعضای خانواده مجاز نیست. این ایالت‌ها اعضای نزدیک خانواده را برای کمک به مجرم با این قصد که وی از کشف، دستگیری، محاکمه، مجازات‌رهایی یابد، از تعقیب کیفری معاف می‌کند، اما چهار ایالت دیگر رابطه خویشاوندی را شایسته حذف حکم گزارش اجباری نمی‌شناسد. لیکن در فرضی که پنهان‌کننده جرم، از خویشان مجرم باشد. دادگاه در

1. CA Penal Code § 152.3 (2022) (e) The requirements of this section shall not apply to the following:

(۱) A person who is related to either the victim or the offender, including a spouse, parent, child, brother, sister, grandparent, grandchild, or other person related by consanguinity or affinity. (Amended by Stats. 2016, Ch. 50, Sec. 66. (SB 1005) Effective January 1, 2017.)

۲. بند د ماده مزبور در این خصوص مقرر می‌دارد:

(G) Divisions (A) and (D) of this section do not require disclosure of information, when any of the following applies: (1) The information is privileged by reason of the relationship between attorney and client; doctor and patient; licensed psychologist or licensed school psychologist and client; member of the clergy, rabbi, minister, or priest and any person communicating information confidentially to the member of the clergy, rabbi, minister, or priest for a religious counseling purpose of a professional character; husband and wife; or a communications assistant and those who are a party to a telecommunications relay service call. (2) The information would tend to incriminate a member of the actor's immediate family.

مجازات وی همانند نظام کیفری ما تخفیف می‌دهد (Ethan Leib, et al., 2022: 1-38). در پاسخ کسانی که از این احکام متعجب هستند باید گفت که در سطح فدرال هیچ قانونی وجود ندارد که یک عضو خانواده را در صورت عدم گزارش جرم از تعقیب مصون بدارد، عبارت «هرکس» در ماده ۴ قانون فدرال مؤید این امر است که اقوام مرتکب از گزارش اجباری جنایت فدرال معاف نخواهند بود (Ibid).

۵-۲-۲. وظیفه رازداری و عدم اعلام جرم

برخی از ایالت‌ها افرادی را که به مناسبت حرفه خود در یک رابطه محرمانه و مبتنی بر اعتماد از وقوع یک جرم مطلع می‌شوند، از تکلیف به افشای آن جرم معاف می‌سازند. برای مثال در ۳۰ ایالت مانند اوهایو، وکیل، پزشک، یا کشیش و مقام مذهبی که در هنگام استماع توبه مراجعه‌کنندگان از جرم آن‌ها مثلاً جنایات و کودک‌آزاری مطلع می‌شوند، اما به مقامات گزارش نمی‌دهند قابل تعقیب نیستند. در تقابل با این موضع برخی دیگر از ایالت معتقدند که رابطه محرمانه بین وکیل و روحانی با متهم نباید به وسیله‌ای برای ممانعت از اجرای عدالت بدل شود. بر همین اساس در ایالت‌های نظیر کانکتیکت، میسی‌سی‌پی، ویرجینیا غربی نیوهمپشیر، وکلا، مقامات روحانی و پزشک اگر از وقوع جرم توسط مراجعه‌کننده آگاه شوند و عمداً به مقامات گزارش ندهند، به مجازات جرم عدم گزارش محکوم خواهند شد (Hammar, 2015: 6,1). دادگاه فدرال واشنگتن، در پرونده‌ای حکم داد عدم گزارش کودک‌آزاری توسط روحانی کلیسا نه تنها منجر به مسئولیت کیفری برای وی می‌شود، بلکه مسئولیت مدنی برای گزارشگر اجباری و کلیسای استخدام‌کننده او دارد (fleming v. church of jesus Christ, 2006, w1753234. wd. Wash, 2006). مشاهده می‌گردد موضع ایالت‌ها در تأثیر تعهد رازداری بر سقوط مجازات از تازک گزارش به شدت مضطرب و مختلف است که تبعیض ناروا در مواجهه نظام کیفری با مردم ایجاد می‌کند.

در سطح فدرال دیوان عالی ایالات متحده «در پرتو عقل و تجربه»، قاعده کامن‌لا تعدیل شده را پذیرفت که مطابق آن «زن جز در موارد خشونت علیه خود، صلاحیت ندارد، مستقیماً شوهرش را متهم سازد یا آنچه را که زن در رابطه محرمانه زندگی، از او آموخته است فاش کند.» قاعده مزبور چندین بار در آرای دیوان تأیید شده است. از آنجایی که مبنای قاعده در رابطه با صلاحیت شهادت، حفاظت از اعتماد زناشویی است «که برای حفظ رابطه زناشویی به قدری ضروری است که بر ضررهای ممانعت از اجرای عدالت ترجیح دارد» به نظر می‌رسد بر مورد زنی (نیز شوهر) که جنایات همسر را گزارش نکرده است، مصداق پیدا می‌کند و در نتیجه زن از مجازات عدم گزارش جنایت، معاف خواهد بود (شانون هاس، ۱۹۷۹: ۷۷).

۵-۲-۳. استثناء متمم پنجم قانون اساسی

دادگاه‌ها بر این باورند که امتیاز متمم پنجم «مصونیت از خودمجرم‌سازی» در صورتی که متهم باور

معقولی داشته باشد که اطلاع‌رسانی به مقامات می‌تواند منجر به پیگرد قانونی خود شود، از محکومیت به کتمان جنایت جلوگیری می‌کند. این بدان معنی است که اکثر همدستان را نمی‌توان به جرم عدم اعلام جنایت محکوم کرد؛ اما در یک پرونده فدرال، زنی که در یک جنایت دست داشت و تصمیم گرفت در مورد دخالت خود با پلیس صحبت کند و به آن‌ها دروغ بگوید. دادگاه گفت که اظهارات نادرست او توانایی او را برای استفاده از متمم پنجم به‌عنوان دفاعی در برابر اتهام کتمان جنایت نفی می‌کند (US v. Weekly, 389 F.Supp.2d 1293, 2005).

۶. ضمانت اجرایی تکلیف به اعلام جرم

کتمان جرائم در نظام کیفری کشورهای عربی مستوجب کیفری متعددی از حبس و جزای نقدی است. کیفر عدم اعلام جرم در همه نظام‌ها بسته به نوع جرم کتمان شده و شرایط مرتکب، درجه آن تغییر پیدا می‌کند و هرچه جرم اصلی شدیدتر باشد، عدم اعلام آن با مجازات شدیدتری پاسخ داده می‌شود. در حقوق ما نیز به علت تعدد مصادیق، جرم خودداری از اعلام جرم مجازات یکسانی ندارد، بلکه بسته به شدت و اهمیت جرائم و موقعیت مقام موظف میزان مجازات آن متغیر است. این جرم از نوع تعزیری بوده و مقنن اغلب برای آن کیفر حبس (حداکثر درجه ۵) جزای نقدی و انفصال از خدمت و محرومیت از حقوق اجتماعی پیش‌بینی کرده است.

ضابطین دادگستری مکلف هستند در صورت اطلاع از وقوع جرم به خصوص جرائم مشهود با جمع‌آوری دلایل مراتب را به مقام قضائی گزارش نمایند، استتکاف ضابطین دادگستری از دستورات مقامات قضائی جرم محسوب و برای مرتکب یا مرتکبین آن سه ماه تا یک سال انفصال از خدمت دولتی و یا یک تا شش ماه حبس به‌عنوان مجازات پیش‌بینی شده است. در خصوص استتکاف افراد عادی از اعلام جرم اگر این وظیفه نشت گرفته از اخلاق، مذهب یا وظیفه اجتماعی باشد، هیچ‌گونه ضمانت اجرای قانونی پیش‌بینی نشده است؛ لکن در مواردی که اعلام جرم یک وظیفه قانونی باشد (عمدتاً چنین وظیفه‌ای متوجه مأمورین و مسئولین دولتی و عمومی است) عدول از آن تخلف اداری محسوب و به استناد بندهای ۱۴ و ۱۵ ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲ تحت تعقیب قرار می‌گیرد. در بعضی موارد نیز قانون‌گذار به لحاظ اهمیت و ویژگی خاص بعضی از جرائم ارتكابی مأمورین و مستخدمین دولتی و همچنین مسئولیت رؤسا یا مدیران یا مسئولین سازمان‌ها و مؤسسات مذکور در ماده ۵۹۸ ق.م.ا استتکاف آن‌ها از اعلام جرم به مراجع قضائی (حتی به مراجع ذیصلاح اداری) را جرم دانسته و برای مرتکبین آن حبس از شش ماه تا دو سال و انفصال موقت از ۶ ماه تا دو سال پیش‌بینی کرده است (ماده ۶۰۶ ق.م.ا تعزیرات، ۱۳۷۵).

در قانون دیوان محاسبات برای جلوگیری از عدول و استتکاف مسئولین ذی مدخل در اعلام جرائم

عمومی به مراجع قضائی هیچ گونه تضمینی به نحو خاص پیش بینی نشده است، لکن با استفاده از عموماً قانون رسیدگی به تخلفات اداری به خصوص بندهای ماده ۸ قانون مزبور و لفظ تکلیف مقرر در ماده ۲۵ قانون دیوان محاسبات می توان استتکاف از اعلام جرم به مراجع قضائی توسط دیوان را یک تخلف اداری تلقی کرد (نوروزی، ۱۳۸۳: ۸).

در ایالات متحده در هر دو سطح فدرال و ایالتی مجازات ها از تنوع و شدت بیشتری در قیاس با ایران و کشورهای عربی برخوردار است. در سطح فدرال جزای نقدی و حبس ابزار اصلی در مقابله با بی تفاوتی محسوب می شود و میزان حبس از ۱ تا ۳ سال نوسان دارد که در برخی از جرائم این حبس به ۱۰ سال نیز افزایش می یابد. علاوه بر این اتهام به جرم ماده ۴، مجازات تبعی اخراج از ایالات متحده برای مهاجران را در پی دارد. در سطح ایالتی عدم اعلام به عنوان جنایت (حتی در کلاس a) و در برخی موارد جنبه تلقی شده و مجازات آن ها را دارند که جزای نقدی، حبس و محرومیت از حقوق اجتماعی عمده کیفر را شکل می دهد. درجه مجازات با توجه به ماهیت جرم و ایالت ها متغیر است نکته دیگر اینکه برخی از ایالت ها مستتکف از گزارش را همانند مرتکب اصلی مجازات می کنند.

نتیجه گیری

از منظر نهاد امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با جرم به مفهوم منکر، وظیفه دینی و اخلاقی هر فرد مسلمانی است که بدان بسیار توصیه شده است. یکی از جلوه های این تکلیف الزام افراد به اعلام جرم همانند وجوب ادا شهادت با شرایط خاص است. نتیجه طبیعی این که کتمان اطلاع افراد بر ارتکاب عمل حرام، به اجماع امت از گناهان کبیره است و می توان افراد را به انجام واجبات و ترک محرمات الزام کرد، این است که الزام افراد به گزارش و ادای گواهی در موارد لزوم، مشروع است. از سوی دیگر مصلحت اجتماعی (سیاست پیشگیرانه و کمک به اجرای عدالت) و سیاست جنایی مبتنی بر مشارکت عمومی به مقنن اجازه می دهد در شرایط خاصی گزارش جرم را الزامی کند؛ مشروط بر اینکه الزام همراه با ضرر و حرجی برای افراد نباشد. در قانون مجازات اسلامی ماده قانون عام که کتمان جرائم از طرف مقامات یا افراد عادی را جرم بشناسد، وجود ندارد. باین حال در قوانین خاص می توان مواردی را یافت که مقنن، عدم اعلام جرم را جرم می داند.

طبق قوانین ایران، صرف اطلاع ندادن وقوع جرم به مراجع ذی صلاح از سوی اشخاص عادی جرم محسوب نمی شود، مگر اینکه این اطلاع ندادن به همراه یک اقدام مادی مثبت و برای جلوگیری از اجرای عدالت مانند پناه دادن و مخفی کردن و یا کمک به فرار باشد. به طور کلی از حیث مرتکب، جرم صرفاً توسط مقامات یا افراد مدنظر تحقق می یابد. درحالی که در نظام کیفری ایالت متحده، به ویژه ماده ۴ از عنوان ۱۸ کد جزایی مجازات با به کار بردن عبارت «هرکسی» افراد عادی و رسمی را توأماً مدنظر داشته است.

در هر دو نظام حقوقی کتمان جرائم از نوع جرائم ترک فعلی و مستمری است که مرتکب آن با داشتن توانایی اعلام جرم، آگاهانه از گزارش آن استکفاف می‌ورزد. مضافاً عدم اعلام کلیه جرائم، جرم شناخته نشده، بلکه قانون‌گذار اعلام نکردن برخی از جرائم مهم را که به‌صورت حصری در مواد قانونی پیش‌بینی کرده جرم می‌شناسد. به عبارت دیگر از حیث موضوع، جرم خودداری از اعلام جرائم جنبه عمومی ندارد. در ایالات متحده، در سطوح ایالتی اصولاً شهروندان تکلیفی به اعلان ندارد. برخلاف فدرال که کتمان جنایت فدرال توسط هرکس را جرم می‌شناسد، ایالت‌ها تنها عدم گزارش جرائم انحصاری (منتها با قلمرو وسیع‌تر نسبت به دیگر نظام‌ها) را تحت پیگرد قرار می‌دهند. عنصر مادی عدم گزارش در سطوح ایالتی از نوع ترک فعل است، لکن در ماده ۴ کدجزای فدرال، اقدام مثبت نظیر اظهارات نادرست، از بین بردن شواهد برای پنهان‌سازی جرم ضرورت دارد. از طرفی کتمان جنایت در قانون فدرال، جرمی عمدی و مستحق سوءنیت عام یعنی قصد پنهان‌کاری است. باین حال در اصلاحات جدید در برخی ایالت‌ها، عدم گزارش ناشی از تقصیر نیز جرم تلقی می‌گردد. در مقایسه با کشور ما مجازات‌ها در آمریکا بسته به نوع جرم متغیر و شدت بیشتری دارد.

در این نظام جرم عدم گزارش در قالب جنحه و جنایت تحت تعقیب قرار می‌گیرد که در مقایسه با قوانین ما مجازات شدیدی را بر مرتکب تحمیل می‌سازد. حتی پاره‌ای از ایالت‌ها در قالب نهاد «مساعدت بعد از عمل»، تارک فعل را همانند مرتکب اصلی مجازات می‌کند. برخلاف ایران، طرفین رابطه محرمانه مانند وکیل و موکل و روحانی و توبه‌کننده و مصونیت خانوادگی از مجازات مستثنا شده‌اند. سایر نتایج را می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

۱. سیاست جنایی آمریکا در تکلیف شهروندان به گزارش نسبت به حقوق ما منسجم‌تر است و قلمرو جرائم موضوع گزارش اجباری وسیع‌تر است.

۲. عنصر مادی جرم کتمان جنایت در ماده ۴ برخلاف حقوق ما عمل مثبت است. در سطوح ایالتی عدم گزارش جرم آینده، جرم محسوب می‌شود، ولی در حقوق ما و سطح فدرال فقط عدم گزارش جرم تکمیل شده (تام) جرم‌انگاری شده است.

۳. از حیث عنصر روانی در نظام ایران و آمریکا وجود سوءنیت عام شرط تحقق جرم است، ولی در سطح ایالت‌ها گرایش جدیدی شکل گرفته است که حتی شخصی که با سهل‌انگاری و بی‌احتیاطی جرم را گزارش نکند، تحت پیگرد قرار می‌دهد.

۴. برخلاف ایران، سیاست کیفری آمریکا سرکوب‌گرانه‌تر است و مجازات‌ها شدت و تنوع بیشتری دارد. به علاوه در حقوق ایالت‌ها جهاتی چون مصونیت خانوادگی و داشتن وظیفه رازداری (به‌جز جرائم کودک‌آزاری) سبب معافیت مرتکب از کیفری قانونی می‌گردد، لکن در حقوق ما رابطه خویشاوندی با مرتکب جرم اصلی تأثیر بر مسئولیت مرتکب ندارد و تنها می‌تواند یکی از کیفیات مخففه تلقی شود.

پیشنهاده‌ها

به‌طور کلی اهمیت و تأثیر جرائم علیه عدالت قضایی در دادرسی عادلانه ایجاب می‌کند که قانون‌گذار ایرانی نیز همانند قانون‌گذار آمریکایی، بخشی مستقل از قوانین جزایی را به جرائم علیه عدالت قضایی اختصاص دهد و ضمن این امر شایسته است که مقنن به جرم‌انگاری کلیه افعال و ترک افعالی را که خدشه‌ای به اجرای عدالت و تضییع حقوق مردم وارد می‌سازند (از جمله عدم اعلام جنایت، استثنائات جرم خودداری از اعلام جرم، توسعه اجبار به گزارش به افراد عادی) بپردازد.

فهرست منابع

- اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۰ش). حقوق جزای عمومی. جلد ۱، تهران: میزان
- اردبیلی، احمد (۱۴۲۱ق). مجمع الفایده و البرهان، قم: نشر اسلامی.
- حلی، ابوالقاسم (۱۴۲۱ق). شرائع الاسلام. تهران: استقلال.
- حلی، حسن (۱۴۱۹ق). قواعد الاحکام. قم: نشر اسلامی.
- خالقی، علی (۱۴۰۱ش). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری. تهران: شهر دانش.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲ق). مبانی تکملة المنهاج، جلد ۱، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخویی.
- لیلا سادات اسدی (۱۳۸۴ش). «بررسی تطبیقی جرائم علیه عدالت قضایی ایران و اردن». ندای صادق، شماره ۳۷ و ۳۸.
- ساریخانی، عادل؛ موسوی، سید حیدر شاه (۱۴۰۱ش). «موانع ثبوتی عدالت قضایی در اسلام، حقوق کیفری افغانستان و فرانسه». پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۹، شماره ۱.
- ساکت، محمدحسین (۱۳۸۲ش). حقوق اسلامی. تهران: نشر میزان.
- داود سیفی قزوینی؛ اسلامی نیا، قاسم (۱۴۰۱ش). «قلمرو و مبانی جرم اهمال در حضانت در نظم حقوق کیفری ایران». مطالعات راهبردی زنان، دوره ۲۵، شماره ۹۸.
- عاملی، محمد بن مکی (شهید اول) (۱۳۹۹ق). القواعد والفوائد فی الفقه والاصول. نجف.
- طارمی، محمدحسین (۱۳۸۸ش). عدالت قضایی و جرائم پیرامونی. نگاه حوزه، شماره ۲۶۳.
- سعید قماش (۱۳۸۵ش). بررسی جرم اقباشی اسرار حرفه‌ای. ماهنامه دادرسی، شماره ۵۸.
- کوشا، جعفر (۱۳۸۱ش). جرائم علیه عدالت قضایی. تهران: میزان.
- کوشا، جعفر (۱۳۸۹ش). اخلاص در عدالت از جرائم علیه امنیت عمومی. گفتگوی ماهنامه قضاوت، شماره ۶۵.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۳ش). بایسته‌های جزای عمومی، چاپ نوزدهم، تهران: میزان.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۴۰۰ش). جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی. تهران: میزان.
- نجفی، محمدحسین (۱۳۷۴ق). جواهرالکلام، جلد یک، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نورزی، پیمان (۱۳۸۳ش). تحلیل ماده ۲۵ قانون دیوان محاسبات. دانش حسابرسی، دوره ۱۴، شماره ۴.

References

- Aizman, Diana (May 25, 2022). "Can You Be Arrested In California For Failing to Report A Crime?"
<https://aizmanlaw.com/can-arrested-california-failing-report-crime/>.at.12/13/2023
- Andrew Goldsmith (2023). 9th Circ. Raises The Bar On Misprision Of A Felony,
www.law360.com
- Cadoppi, A (1993). 'Failure to Rescue and the Continental Criminal Law' in Menlowe, Aldershot: Dartmouth, 1993
- Carl, A (2019). Misapprising Misprision: Why Misprision of A Felony Is Not A Crime Involving Moral Turpitude. DePaul L. Rev., 69, 143.
- Child Welfare Information Gateway (2019). Definitions of child abuse and neglect. U.S.

- Department of Health and Human Services, Administration for Children and Families, Curen-ton, C. M (2003). The Past, Present, and Future of 18 USC 4: An Exploration of the Federal Misprision of Felony Statute. Ala. L. Rev., 55, pp. 183-192
- Dan markel, Jennifer m colhions m ethan j leib, (2022). privilege an panish criminal justice and family ties, oxford press.
- Devries, Juliana (2017). "You can be prosecuted for clearing your browser history". BERKELEY JOURNAL OF CRIMINAL LAW, spring, 22(1), p. 14-42.
- Diana Nadine Moreira, Mariana Pinto da Costa (2021). Should domestic violence be or not a public crime?, Journal of Public Health, Volume 43, Issue 4, December 2021, Pages 833–838, <https://doi.org/10.1093/pubmed/fdaa154>
- Dressler Joshua (2022). Understanding Criminal Law, Ninth Edition, Carolina Academic Press.
- Hammar, Richard (2015)., chil abus reporting, and clergy privilege, church law and tax update. publisher.
- Horner, Robert J (1979) Misprision of Antitrust Felony, Cleveland State Law Review. 529 (1979), vol 28(4). pp. 529-563.
available <https://engagedscholarship.csuohio.edu/clevstlrev/vol28/iss4/13>
- Janet, Mason (2013). Reporting Child Abuse and Neglect in North Carolina 3th edition. School of Government The University of North Carolina at Chapel Hill.
- John Mascolo (2023)., Failure To Report a Crime, FindLaw Staff, <https://www.findlaw.com/criminal/criminal-charges/failure-to-report-a-crime.html> reviewed August 22, 2023
- Ken Anderson (2005). Crime in Texas: Your Complete Guide to the Criminal Justice System, University of Texas Press; Revised edition (May 1, 2005)
- LaFave, Wayne (2003). Substantive Criminal Law, 2d ed. Publisher, Thomson/West.
- LCSW, Dr Kenneth Lau; LCSW, Ms Kathryn Krase JD; LMSW, Mr Richard H. Morse (2008-12-02). Mandated Reporting of Child Abuse and Neglect: A Practical Guide for Social Workers. Springer Publishing Company.
- Neil Shouse (2022). "Failure to report a crime" – Is this also a crime?
<https://www.shouselaw.com/ca/blog/failure-to-report-a-crime/>, at available 2/15/2024
- Glazebrook, P.R (1967). Misprision of Felony - Shadow or Phantom, The American Journal of Legal History, vol 8, No.3 (1964) pp. 189-208, JSTOR.pdf
- Pearl Goldman (2016). Florida Criminal Law, publisher Carolina Academic Press, 2016
- Prendergast, D (2020). Core Concepts in Criminal Law and Criminal Justice: Volume I.
- Sandra Guerra Thompson (2003). The White-Collar Police Force: "Duty to Report" Statutes in Criminal, Law Theory, 11 Wm. & Mary Bill Rts. J. 3 p.1-64.
- Shannonhouse, Royal G. III (1979), Misprision of a Federal Felony: Dangerous Relic or Scourge of Malfeasance? University of Baltimore Law Review, vol. 4. Issue1. fall.1974, pp. 60-79.
- Watson, Mark (August 30, 2012). "Compounding a felony and settling criminal offences". Blog.Lexology.com

Case

United States v. Olson, Fed. Appx. 2017 WL 2105446, at *1 (9th Cir. May 15, 2017

Us v. gabby, 294,f3d.540,544(3ddcir.2002)

Fleming v. church of Jesus Christ, 2006, w1753234.wd.wash.2006

US v. Weakley, 389 F.Supp.2d 1293 (2005).

Commonwealth v. Lopes, 61 NE2d 849 (Mass. 1945).

Pope v. state.382a2d880,885md ct spec.app.1979

US v. Smith.no 3440, 2004

Lancey v. United States, 356 F.2d 411

United States v. Johnson, 546 F.2d 1225, 1227 (5th Cir.1977)

Persian and Arabic refrence

Leila A (2006). Divorce on the Judge's Order, *Family Law and Jurisprudence*, 10(37), 37.

Ardebili M. A (2021). General Criminal Law, Volume 1, Tehran, Mizan

Khaleghi,A (2022). Points in the Criminal Procedure Law. Tehran, Shahr Danesh

Ardabili, A (2000).Al-Faidah and Al-Barhan Assembly, Qom, Nash al-Islami.

Hali, A.Q (2000) Shar'e al-Islam, Tehran, Esteghlal.

Hali, H, (1999), Al-Qaqaa al-Ahkam, Qom, Islamic Publishing House.

Khoei, S. A.Q (2001). The Basics of Takmala al-Manhaj, Volume 1, Qom, Imam Al-Khoei Institute for Revival of Works.

Saket, M.H (2012).Islamic Law; Tehran, Mizan publication.

Shahid I (2019). Al-Qa'zae and Benefits in Fiqh and Asul, Najaf.

Taremi, M.H (2008). Judicial Justice and Related Crimes, Pegah Hozha, No. 263, October

Qomashi, S (2006). Investigating the crime of revealing professional secrets, Judicial Monthly, No. 58.

Kosha, J (2002) Crimes against judicial justice, Tehran, Mizan.

Kosha, J (2010) Obstruction of justice from crimes against public security, interview with the monthly Judiciary, No. 65, pp. 25-12.

Goldouzian,I (2012) General criminal law requirements, 19th edition, Mizan

Mir Mohammad Sadeghi, H (2021).Crimes against public security and peace, Tehran, Mizan

Najafi, M.H (1995) Javaher al-Kalam, vol.1, Tehran, Darul-Kitab al-Islamiya.

Noorzi.P (2013). Analysis of Article 25 of the Audit Court Law, Auditing Knowledge, (14) 4, pp. 12-7.

Sarikhani, A., & mousavi, S. H. S (2022). Positive Barriers to Judicial Justice in Islam and Criminal Law of Afghanistan and France. Comparative Studies on Islamic and Western Law, 9(1), 183-212. doi: 10.22091/csiw.2021.6127.1929

Seifi,D. Qareyataq; Eslaminia Q (2023). Analysis of the territory and basics of the crime of negligence in custody in the light of the family support law approved in 2013, Womens Strategic Studies, 25(98), 27-60.